

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

## ویژه نامه سرمایه و سوانح کار

سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۸

شماره ۲

### کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to Form Workers Organization

#### در این شماره:

- |   |   |
|---|---|
| ۱۱ سرمایه و سلاخی اعضای بدن کارگران در هنگام کار            | ۲ به باد سلمان بیگانه                               |
| ۱۱ کشته شدن یک کارگر در سیمان بجنورد                        | ۲ سلمان بیگانه کشته شد!                             |
| ۱۱ آمار تلفات سوانح هنگام کار به روایت سازمان تأمین اجتماعی | ۲ آمار سوانح کار به روایت سازمان تأمین اجتماعی      |
| ۱۲ قربانی شدن یک کارگر در انفجار تانکر ذوب قیر              | ۳ سرمایه، مهدی عرفانی کارگر فولاد گیلان را کشت      |
| ۱۲ کشته و زخمی شدن ۶ کارگر هنگام کار برای سرمایه دار        | ۳ سرمایه، کارگر مس سرچشمه را به قتل رساند           |
| ۱۲ پرونده کشتار کارگران «باب نیزو» چه شد؟                   | ۳ قتل عام معدنچیان «باب نیزو» در آستان سرمایه       |
| ۱۳ قتل کارگر ۱۳ ساله هنگام کارمزدی                          | ۴ قتل ۱۲ کارگر توسط سرمایه در فیلیپین               |
| ۱۳ کشتار کارگران با مواد بیماری زا توسط سرمایه              | ۴ کشته شدن یازده کارگر در چین                       |
| ۱۳ کشتار کارگران در پارکینگ سازی سرمایه                     | ۴ قتل ۷۳ کارگر توسط سرمایه در چین                   |
| ۱۳ باب نیزو، کارگاه یا کشتارگاه؟                            | ۵ فریاد اعتراض بازماندگان قربانیان فاجعه سعادت آباد |
| ۱۴ کشته و مجروح شدن کارگران هنگام کار برای سرمایه           | ۵ قتل ۴۰ کارگر ساختمانی در مازندران در ۱۰ ماه       |
| ۱۴ اعتراف «سازمان تأمین اجتماعی» به کشتار کارگران هنگام کار | ۵ قتل ۱۲ کارگر توسط سرمایه در معادن رومانی          |
| ۱۵ کشتار کارگران هنگام کار به روایت سازمان تأمین اجتماعی    | ۶ مرگ جنایتکارانه دو کارگر توسط سرمایه              |
| ۱۵ ۳۰ کارگر افغان قربانی سرمایه شدند                        | ۶ مرگ کودک کار بر دار استثمار و گرسنه سازی سرمایه   |
| ۱۶ سرمایه و بی ارزشی جان کارگر                              | ۶ اشکال تازه کشتار کارگران توسط سرمایه داران        |
| ۱۶ کشته شدن یک کارگر در بندر «امام خمینی»                   | ۶ زن گل فروش در شعله های آتش سرمایه سوخت            |
| ۱۷ قتل ۲ کارگر در معدن «پابدانا»                            | ۷ قتل ۵ کارگر سیمان توسط سرمایه                     |
| ۱۷ کشته و مجروح شدن ۱۱ کارگر زیر آوار سرمایه                | ۷ سرمایه در هر دقیقه ۱۵ کارگر را به قتل می رساند    |
| ۱۷ رسانه های جمعی سرمایه و گزارش سوانح کار                  | ۸ سوانح کار در تحلیل مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی |
| ۱۸ قطع پای یک کارگر در معدن سرمایه                          | ۸ سازمان تأمین اجتماعی و آمار سوانح کار             |
| ۱۸ کارگر جوشکار هنگام کار برای سرمایه به قتل رسید           | ۸ از سر نوشت ۲۶ کارگر معدن در چین هیچ خبری نیست     |
| ۱۸ جنایت سرمایه و معلول شدن مادام العمر کارگر               | ۹ قطع دست یک کارگر هنگام کار                        |
| ۱۹ سقوط سه کارگر نفت آبادان در چاه فاضلاب                   | ۹ شمار کارگران مقتول در معادن چین به ۲۸ نفر رسید    |
| ۱۹ سوداندوزی سرمایه دار باعث مرگ یک کارگر شد                | ۹ کشته شدن ۱۷ کارگر دیگر در معادن چین               |
| ۱۹ حراج جان کارگر در شهر طبس                                | ۹ مصدوم شدن یک کارگر در ایران خودرو                 |
| ۱۹ جستجوی کار راهی به سوی مرگ                               | ۱۰ کشتار کارگران ساختمانی در اصفهان                 |
| ۲۰ ریزش معدن در چین و کشتار کارگران                         | ۱۰ سقوط و مرگ دو کارگر در چاه ویل سودجویی سرمایه    |
| ۲۰ کشته شدن ۱۱ کارگر هنگام کار                              | ۱۰ آتش سوزی در واحد تقطیر پالایشگاه اصفهان          |
| ۲۰ آسفالت داغ سرمایه در کانادا یک کارگر ۱۵ ساله را کشت      | ۱۰ کشته شدن یک کارگر ساختمانی هنگام کار در سنندج    |

نشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید. صفحه ۲۲



## به یاد سلمان یگانه

سرمایه چه زود و چه بیرحمانه تو را از ما گرفت. یقین بدان که ما راحت را که راه رهائی بشریت از شر نظام بردگی مزدی است با تمامی صلابت و امید و آگاهی ادامه خواهیم داد.

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اردیبهشت ۱۳۸۸

شماره ۲ «ویژه نامه سرمایه و سوانح کار» را به یاد هم‌زم شریف و آگاه خود **سلمان یگانه** فعال جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر و عضو پرشور کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری منتشر می کنیم و با قلبی آکنده از درد خطاب به او می گوئیم: سلمان عزیز! هیچ گاه فکر نمی کردیم که شماره ۲ این ویژه نامه را به یاد تو منتشرکنیم. تو در مبارزه با نظام سرمایه داری و در پیکار علیه رفرمیسم راست و چپ همچون کوهی استوار درکنار ما بودی.

## سلمان یگانه کشته شد!

آزادی انسان می تپد تسلیم می گونیم و اعلام می کنیم که برای نابودی قاتل واقعی سلمان یعنی نظام انسان کش سرمایه داری یک دم از پای نخواهیم نشست.

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر یکی از شریف ترین، آگاه ترین و پیگیرترین جان های پاک و آزاده خود را از دست داد. سلمان یگانه، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، در حین کار دچار سانحه شد و کشته شد. سلمان که در کارخانه فولاد لوشان واقع در استان گیلان کار می کرد امروز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۸ هنگام کار با دستگاه بتونیر به درون این دستگاه سقوط کرد و در دم جان سپرد. ما این داغ بزرگ و فراموش نشدنی را به نسرین و مارال و انوش - همسر و و فرزندان سلمان - به جنبش کارگری و به همه انسان هانی که قلبشان برای

## آمار سوانح کار به روایت سازمان تأمین اجتماعی

خوبی و بیرحمی ددمنشانه نظام سرمایه داری در سلاخی و خردو خمیر کردن بردگان مزدی پرده اندازند. نهادهای دولتی در انتشار گزارش های خود همه این مقاصد شوم را تعقیب می کنند. اما معضل آن ها این است که دامنه جنایات و کشتار سرمایه حتی در همین قلمرو سوانح کار آن قدر بی حساب و کتاب و بی حد و مرز است که بالاخره بخش های باقی مانده غیرقابل استتار آن باز هم سر به فلک می زند. آنچه در گزارش اخیر سازمان تأمین اجتماعی درباره سوانح کار و مرگ و میرهای حین کار کارگران آمده از این دست است و باید از همین دید به آن نگاه کرد. حتی بر اساس همین گزارش، در سال ۱۳۸۷ بیش از ۲۲ هزار و ۱۳۴ حادثه در زمان کار برای کارگران رخ داده است. اما برای این که درجه صحت این رقم را بسنجیم باید به عبارت بعدی گزارش خوب توجه کنیم. سازمان تأمین اجتماعی شمار کشته شدگان کارگر در کل حوادث سال مذکور را فقط ۸۳ نفر اعلام کرده است. هر کسی که فقط اخبار روزنامه ها را دنبال کرده باشد خوب می داند که تعداد کارگران کشته شده در این سال فقط در دو حادثه آتش سوزی کارخانه شانزده اراک و ریزش ساختمان خیابان سعادت آباد تهران از ۷۰ نفر بیشتر بوده است. در طول این سال هیچ هفته ای نگذشته است که بیش از چند کارگر در مراکز کار و تولید مختلف دچار سانحه نشوند و جان خویش را از دست ندهند. آمار

دولت سرمایه داری ایران هر چند وقت یک بار گزارشی زیر نام سوانح حین کار منتشر می کند. انتشار این گزارش ها هدف های مختلفی را دنبال می کند، از جمله این که گویا دستگاه اعمال قدرت و اجرای نظم استثمار توحش بار سرمایه هم نسبت به حد و حدود سوانح حین کار و مرگ و میر کارگران در این سوانح حساسیت دارد!! گویا در جهنم سرمایه داری ایران هم کنترل هایی در این زمینه صورت می گیرد!! گویا در این جا هم چیزی به نام آمار سوانح و تلفات ناشی از حوادث کار موجود است!! نهادهای دولتی در گزارش های خود همه این عوام فریبی ها و وارونه بافی ها و دروغ پردازی ها را منظور می کنند. اما آنان در کنار این ها چند هدف دیگر را نیز فراموش نمی کنند. اول این که با تهیه این گزارش ها آمار واقعی کشتار کارگران در زمان کار را هر چه بیشتر پایین آورند، کوه کشتارها را گاهی جلوه دهند و بر دنیای عظیم حمام خون های کارگران در حوادث ناشی از کار پرده اندازند. دوم این که دلایل اصلی وقوع این حوادث را از بیخ و بن وارونه کنند، علل واقعی مرگ و میرهای عظیم کارگران در ساعات کار را در دنیایی از دروغ بافی ها گم و گور سازند، همه جا سرمایه داران و نظام سرمایه داری را تیره کنند و خود کارگران قربانی شده را به عنوان عامل اصلی قتل خویش معرفی کنند. و بالاخره این که با نادیده گرفتن شدت سوانح در کشتار کارگران بر درنده

اند یکسره آب می رود و تنزل می یابد، جنایات آشکار سرمایه داران که به خاطر هر تومان سود افزون تر مرکباترین شرایط کاری را بر کارگران تحمیل می کنند و توده های کارگر را پنجاه تا پنجاه تا روانه دیار مرگ می سازند، شرارت سرمایه داران که انبوه کارگران را بدون هیچ حفاظ ایمنی و هیچ نوع وسائل لازم حفظ جان روانه قربانگاه های تولید سود می کنند، سودجویی ددصفتانه صاحبان سرمایه که با وجود یقین به خطر مرگ کارگران باز هم آنان را مجبور به کار در شرایط مرگبار می کنند، همه و همه نادیده گرفته می شود. در عوض، ساعات وقوع حوادث بزرگ می شوند تا در پس آن ها شمار بی حساب و کتاب کشتگان و جمعیت کثیر معلولان و نیز بیرحمی و شقاوت بی حد و مرز نظام سرمایه داری در قلع و قمع و تکه پاره کردن جسم و جان کارگران پنهان بماند.

منبع: ایلنا

## کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸

کارگرانی که فقط هنگام کندن شالوده های ساختمان برای شرکت های بسازوبفروش و مقاطعه کاری سرمایه در زیر آوار دفن شده اند در کمترین برآورد از چند ده نفر افزون است. هیچ ماهی در این سال نبوده است که چندین کارگر فقط به درون چاه های کهنه و مخروبه بدون هیچ پوشش درون مراکز کار سقوط نکنند و تسلیم مرگ نشوند. فقط در یکی از کارخانه ها یکجا ۷ کارگر در عمق چند ده متری زمین در یکی از این چاه ها خفه شدند و جان خود را از دست دادند. سازمان تأمین اجتماعی رقم واقعی کشته شدگان کار در حین استثمار شدن توسط سرمایه را از چند صد نفر به ۸۳ نفر کاهش می دهد تا به این ترتیب زیر نام آمار تلفات سوانح کار کشتار انبوه کارگران در زمان کار توسط سرمایه را بسیار مزرورانه پنهان کند یا کم رنگ سازد. گزارش در یکی از فصل ها بر ساعات وقوع حوادث و این که آیا ساعت ۹ یا ۱۰ صبح یا یک بعد از ظهر بوده است درنگ می کند و با دروغ بافی اصرار دارد که خواننده را به دقت ارقام و مفاد خود متقاعد کند. اما بلافاصله دم خروس از لای عباي سازمان تامین اجتماعی بیرون می زند. آمار کشته شدگان کارگر در حین استثمار شدن توسط سرمایه صدتا صدتا قلم گرفته می شود، شمار کسانی که در اثر وقوع سوانح به معلولان مادام العمر تبدیل شده

## سرمایه، مهدی عرفانی کارگر فولاد گیلان را کشت

شرایط کار کارخانه، بدون هیچ نوع وسائل ایمنی، چند شیفت پشت سر هم برای سرمایه کار کرده بود. او هنگام وقوع حادثه آتش سوزی نه هیچ وسیله ایمنی به همراه نداشت و نه زیر فشار خستگی و فرسودگی هیچ توانی برای فرار از مهلکه در وجودش باقی مانده بود. او به همین دلیل دچار سوختگی عمیق شد و مدتی بعد جان خویش را از دست داد.

منبع: انجمن همبستگی با کارگران

۱۹ اردیبهشت ۸۸

همین خاطر و در همین راستا نباشیم. مجتمع فولاد گیلان یک کارخانه عظیم صنعتی است، اما در آن جا که به جان کارگران مربوط می شود از هیچ نوع وسائل ایمنی برخوردار نیست. سرمایه داران این شرکت فقط امکانات ایمنی را از کارگران دریغ نمی کنند، بلکه با تشدید بی عنان و لحظه به لحظه فشار کار، طولانی ساختن روزانه کار، مجبور ساختن کارگران به کار در چند شیفت پشت سر هم، تحمیل بیشترین اضافه کاری ها بر کارگران و همه جنایات های دیگر، باعث افتادن آنان در ورطه سوانح حین کار می شوند. مهدی عرفانی در وخیم ترین

مهدی عرفانی کارگر مجتمع صنعتی فولاد گیلان در حین کار و هنگام استثمار شدن توسط سرمایه دچار سانحه شد و جان خویش را از دست داد. سرمایه داران ایران به سادگی آب خوردن جان هزاران کارگر را در قبال یک ریال سود افزون تر قربانی می کنند. در مسلک و ذات سرمایه به طور کلی و در مذهب و منظر سرمایه داران ایرانی به طور خاص ذبح عظیم توده های وسیع کارگر در آستان یک تومان ارزش اضافی افزون تر کاملاً مجاز و عین ثواب است. هیچ روزی نیست که در جهنم سرمایه داری ایران شاهد قتل چندین کارگر به

## سرمایه، کارگر مس سرچشمه را به قتل رساند

قرار دارند. سرمایه فقط کارگران را زیر فشار شدت استثمار به قتل نمی رساند. جمعیت عظیم افراد خانواده های آنان را نیز به تیغ گرسنگی و مرگ می سپارد.

منبع: وبلاگ مس سرچشمه

۱۹ اردیبهشت ۸۸

مجبور بود که در چهارچوب قرارداد سلاخی بی مهار نیروی کار موسوم به قراردادهای موقت کار کند و استثمار شود. همایون را سرمایه کشت، اما ماجرا به همین جا ختم نمی شود. خانواده او، زن و بچه و بازماندگان وی که دستمزد ناچیز همایون تنها و تنها سرچشمه امرار معاش آنان بوده است اکنون همه در معرض گرسنگی و مرگ ناشی از گرسنگی

همایون اصلاح طلب کارگر مجتمع صنعتی مس سرچشمه به دلیل فشار سهمگین کار و استثمار و آلودگی مفرط محیط کار دچار ناراحتی قلبی شد و جان سپرد. همایون ۵۱ سال سن داشت. او همه عمرش را برای سرمایه کار کرده بود، حتی در همین مجتمع صنعتی مس سرچشمه سالیان زیادی به گونه ای جانکاه توسط سرمایه استثمار شد. با همه این ها او تا لحظه مرگ

## قتل عام معدنچیان «باب نیزو» در آستان سرمایه

تعدادی از کارگران حتی پیش از انفجار مسموم شده و جان خود را از دست داده بوده اند. این نکته نشان می دهد که درصد گاز متان موجود در معدن بسیار بالا بوده است. یادآوری می کنیم که در طول سه سال و نیم اخیر این سومین بار است که این معدن منفجر می شود و کارگران قربانی حرص سیری ناپذیر سودطلبی سرمایه داران می شوند. بار اول در شهریور ۱۳۸۴ بود که در جریان آن ۹ کارگر کشته شدند و بار دوم، شهریور ۱۳۸۷ که در

معدن زغال سنگ باب نیزو در نزدیکی شهر زرن در استان کرمان بازم منفجر شد و شمار زیادی از کارگران جان خود را از دست دادند. این انفجار حدود ساعت ۱۲ ظهر روز یکشنبه ۸۸/۱/۳۰ روی داد و اخباری که تا کنون در این مورد مخابره شده تعداد کشته شدگان را دست کم ۱۲ نفر اعلام کرده است. شمار دقیق و قطعی کارگران جان باخته بیش از این رقم است زیرا هنوز تمام آنان از زیر آوار بیرون کشیده نشده اند. براساس همین اخبار،

دستمزد بسیار کمتر جای کشته شدگان را پرکنند. از نظر ضرر مالی نیز دست بالایش این است که دادگاه او را ملزم به پرداخت غرامت به خانواده های کارگران کشته شده کند، غرامتی که بی هیچ تردید مقدارش بسیار کمتر از هزینه برای ایمنی معدن است. با این حساب، آیا هیچ سرمایه دار عاقل و واقع بینی برای ایمنی محیط کار پول خرج می کند؟!

بی هیچ تردیدی، قاتل معدنچیان باب نیز و رابطه اجتماعی سرمایه و نظام مدافع این رابطه است. درجهنم سرمایه داری ایران، سرمایه جز به این صورت نمی تواند وجود داشته باشد. تا زمانی که این رابطه ضدانسانی وجود دارد کارگران نیز این گونه سلاخی و کشتار می شوند. برای پایان دادن به این کشتارها باید به موجودیت این رابطه پایان داد و این امر نیز قبل از هر چیز مستلزم سازمانیابی شورایی و سراسری کارگران علیه سرمایه است.

## کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۳۱ فروردین ۱۳۸۸

آن ۲ کارگر به قتل رسیدند. در تمام این موارد، عاملی که باعث انفجار معدن شده عدم تهویه گاز متان بوده است. میزان استاندارد گاز متان در معادن زغال سنگ یک درصد است در حالی که در انفجارهای قبلی معدن باب نیز و این مقدار بیش از ۵ درصد بوده است. کارفرمای این معدن که یک شرکت خصوصی به نام « دلتا ۱۰۰۰ » است که معدن را از وزارت صنایع و معادن جمهوری اسلامی اجاره کرده است در انفجارهای قبلی اعلام کرده بود که دستگاه تهویه گاز متان گران است و او قادر به خرید آن نیست!! باید از این سرمایه دار آدم کش پرسید چه طور است که او قادر است سودی را که از تن و جان معدنچیان بیرون می کشد در زمینه های دیگر سرمایه گذاری کند تا سودهای باز هم بیشتر به دست آورد اما قادر نیست با این همه سود فراوان یک دستگاه تهویه خریداری کند؟!

واقعیت این است که در جهنم سرمایه داری ایران تنها چیزی که ارزش ندارد جان کارگر است. سرمایه داری که می بیند بدون هزینه برای ایمنی محیط کار می تواند کارگاه را اداره کند و کارگران را به شدیدترین نحو استثمار کند به خود می گوید مگر دیوانه است که برای ایمنی محیط کار پول خرج کند!! حداکثر اتفاقی که ممکن است برای او بیفتد رویدادی از همین دست است که در جریان آن ها ده ها کارگر جان خود را از دست می دهند!! چه باک!! جان کارگران که مهم نیست. بگذار انفجار گاز درون ریه هایشان آنان را ده تاده تا و حتی صدتا صدتا از درون بترکاند و دل و روده شان را تکه تکه کند. از این موجودات تا دلت بخواهد پشت در معدن صف بسته اند و حاضرند حتی با

## قتل ۱۲ کارگر توسط سرمایه در فیلیپین

دادند. آنچه آنان انجام دادند رسم و سنت و سرشت سرمایه است. سرمایه داران در هر روز و هر دقیقه شمار کثیری کارگر را در آستان اندکی سود افزون تر قربانی می کنند.

منبع: ایلنا

آوریل ۲۰۰۹

افراد خانواده های آن ها از وجود نان آور خود محروم شدند. فیلیپین همچون همه جوامع دیگر آسیای جنوب شرقی بهشت سودآوری سرمایه داران بین المللی است. صاحبان سرمایه با هدف جلوگیری از کاهش درهم و دیناری ارزش اضافی حاضر به پذیرش هزینه مرمت سیستم حرارتی کارخانه نشدند. آنان وقوع مرگ ۱۲ انسان کارگر را بر کاهش دیناری سود ترجیح

باز هم سخن از وقوع حادثه در یک مرکز کار و شمار کثیر کشتگان کارگر است. این بار کارخانه ای در نزدیکی شهر مانیل پایتخت کشور فیلیپین دچار حادثه انفجار شده است. اجتناب سرمایه داران از قبول هزینه مرمت و رفع مشکلات سیستم حرارتی کارخانه باعث اصلی انفجار بوده است. در این حادثه ۱۲ کارگر جان خویش را از دست دادند و ده ها نفر

## کشته شدن یازده کارگر در چین

مرگبار و کشتار وسیع کارگران در چین فقط خاص معادن و حوزه های استخراج مواد کانی نیست. سایر مراکز کار نیز وضع بهتری ندارند. حادثه اخیر در یکی از کارخانه های تولید مواد شیمیایی در ایالت فولینگ در جنوب غربی چین رخ داده است. در اینجا سقف سالن کارگاه ریزش کرده است. یازده کارگر در دم جان باخته اند و شمار نامعلومی کارگر دیگر در زیر آوار مانده اند.

مارس ۲۰۰۹

نیازمند افزایش هزینه های انباشت و کاهش اندک سود سرمایه ها است. دولت چین و صاحبان خصوصی سرمایه قبول این امر را غیرمعقول و ناممکن می دانند. آنان بر این عقیده اند که جان باختن هزاران کارگر در هر سال باصرفه تر از صرف هزینه برای ایمن کردن محیط کار در معادن است. چیزی که فراوان است و با بهایی بسیار اندک می توان آن را در بازار خرید نیروی کار است. در حالی که صرف هزینه برای ایمن کردن محیط کار به هر حال مستلزم کاهش سود است. وقوع حوادث

کشور چین بهشت سرمایه داران دنیا و کشتارگاه آراسته به فواره های بلند خون کارگران چینی است. هیچ ماهی نمی گذرد که یک یا چند معدن مهم این کشور دچار ریزش و انفجار و آتش سوزی نشود و سیلاب خون کارگران کشتزاران پرسود سرمایه داران دولتی و خصوصی معدن دار را آبیاری نکند. معادن چین عموماً قدمت تاریخی بسیار طولانی دارند و همگی فرسوده و کهنه و در معرض فروریزی هستند. احتیاج به مرمت و بهبود و بالابردن ضریب ایمنی دارند. انجام این امور

## قتل ۷۳ کارگر توسط سرمایه در چین

سنگ در شمال چین روی داده است. بر اساس اخبار روزنامه ها معدن تونلان در شهر گوجیانو در استان شانشی صبح روز ۲۲ فوریه

ریزش نشود و شمار کثیری کارگر در زیر میلیون ها تن خاک دفن نگردند. کشتار ۷۳ کارگر اخیر در جریان انفجار یک معدن ذغال

چین دنیای کشتار کارگران در معادن و سایر مراکز مختلف کار و تولید است. هیچ ماهی نمی گذرد که معدنی از معادن سرمایه در چین دچار

دلیل با فراغ بال و آسایش خیال از مرگ صد صد بیشتر کارگران در جریان انفجار معدن ها استقبال می کنند. فقط در سال گذشته بیش از ۳۲۰۰۰ کارگر چینی جان خویش را در جریان انفجار و ریزش معادن این کشور از دست داده اند.

فوریه ۲۰۰۹

اضافه ارزش ها به حوزه های نوین پیش ریز سرمایه در کشور حاضر به قبول هیچ ریالی هزینه برای بهبود شرایط کار کارگران نمی باشد. دولت سرمایه داری چین می داند که با کشته شدن این کارگران در جریان انفجار معادن و حریق ها و سایر سوانح نیروی کار ارزان تر و شبه رایگان تر جای آن ها را پر خواهد ساخت. سرمایه داران چینی به همین

اسبیر انفجار شد و ۷۳ کارگر در دم در میان شعله های آتش سرمایه سوختند. شمار کارگران این معدن بسیار بالا است و در روزهای آینده باید منتظر افزایش شمار سوختگان و کشته شدگان کارگر بود. معادن چین فاقد ابتدائی ترین امکانات ایمنی هستند. سرمایه داری چین در تلاش سبعمانه برای افزایش حجم انباشت، تسخیر بازارهای جهانی و سرازیرسازی سیلاب

## فریاد اعتراض بازماندگان قربانیان فاجعه سعادت آباد

این ۹ ماه ۳ بار از فاصله ۸۰۰ کیلومتری با گرفتن قرض و پرداخت هزینه های سنگین خود را به تهران رسانده اند و خواستار تعیین تکلیف پرونده و روش شدن وضع معیشتی خود شده اند. آنان در این ۳ بار هیچ پاسخی از هیچ کدام این نهادها نشنیده اند. بازماندگان فاجعه مرگبار سرمایه در سعادت آباد می گویند که عده ای کاسبکار حتی پرونده قتل ۲۰ کارگر را به ناندانی مناسبی برای خویش تبدیل کرده اند، اما زن و بچه ها و و والدین این قربانیان جنایت سرمایه در آتش گرسنگی و فقر و بی نانی می سوزند.

۲۰ اسفند ۸۷

کردند. این ساختمان در یکی از شب ها بر سر کارگران فروریخت. همه مردند و اینک ۹ ماه از آن تاریخ گذشته است. حاکمان سرمایه و محاکم قضائی نظام سرمایه داری در طول این ۹ ماه هیچ کاری برای بازماندگان این واقعه مرگبار انجام نداده اند. هیچ غرامتی به آنان پرداخت نکرده اند. هیچ نوع مستمری برای امرار معاش آنان تعیین ننموده اند. هیچ گامی برای حل مشکل دکتر و دارو و درمان آن ها برنداشته اند. شهرداری به عنوان کارفرما هیچ کدام این کارها را نکرده است و دستگاه های قضائی و مراجع رسیدگی به پرونده قتل این کارگران انگشت اتهام به سوی هیچ سرمایه دار و نهاد سرمایه داری دراز نکرده اند. بازماندگان گرسنه و آواره و برهنه این کارگران در طول

ماه ها پیش بود که در سعادت آباد آوار سودجویی بی عنان سرمایه بر سر کارگران فروریخت و بیش از ۲۰ کارگر ساختمانی در یک چشم به هم زدن در زیر هزاران تن خاک جان باختند. این کارگران زیر فشار گرسنگی و بیکاری و بی نانی افراد خانواده از مناطق دور کشور به تهران آمده بودند. نیروی کار خویش را بی بهترین میزان می فروختند. به هولناک ترین شکل استثمار می شدند. دستمزد چند تومانی خود را برای نان خانواده می فرستادند. روزها چند شیفت برای سرمایه دار جان می کردند و شب ها در سرما به دلیل نداشتن سرپناه و به خاطر عجز از پرداخت اجاره بهای یک کومه مسکونی به دستور کارفرما در زاویه ساختمانی که ریزش آن حتمی بود ببنوته می

## قتل ۴۰ کارگر ساختمانی در مازندران در ۱۰ ماه

اجباری به زمین سقوط نمایند و تسلیم مرگ شوند. بسیاری از مقتولین به دستور سرمایه داران در جاهائی مشغول حفاری بوده اند که خطر ریزش دیوارها قطعی و محتوم بوده است. مرگ کارگران در هنگام استثمار توسط سرمایه عملاً به صحنه های تفریح سرمایه داران خونخوار در ایران تبدیل شده است.

۱۹ بهمن ۱۳۸۷

کار نام می نهاد. نیاز به توضیح نیست که کلیه این کارگران توسط سرمایه و سرمایه داران به قتل رسیده اند. علت وقوع قتل ها شرایط بسیار فاجعه آفرین و به غایت مرگبار محیط کار، فقدان هر نوع ایمنی و بهداشت کار و اجبار کارگران به قبول خطر مرگ در این شرایط بوده است. غالب این کارگران مجبور بوده اند بدون هیچ نوع وسائل ایمنی بر بام آسمانخراش های رفیع سرمایه داران و شرکت های ساختمانی کار کنند و در اثر کمترین لغزش

فقط در طول سال جاری و در فاصله میان ماههای فروردین تا بهمن ۴۰ کارگر بخش ساختمان در استان مازندران، در حین کار برای سرمایه، هنگام استثمار شدن توسط سرمایه، به گاه تولید سود برای سرمایه و در زمان تولید سرمایه برای سرمایه داران جان خویش را از دست داده اند. سرمایه این حمام خون را مرگ حین کار، ناشی از حوادث محیط کار و از همه این ها بدتر و بسیار شیدانه تر و شرارت بارتر مرگ ناشی از بی احتیاطی کارگر در هنگام

## قتل ۱۲ کارگر توسط سرمایه در معادن رومانی

های کارگر را تهدید می کند در موقعیت نیمه اول قرن نوزدهم قرار دارد. حرص سودجویی و کسب اضافه ارزش های نجومی انبوه تر، واردات ارزان بهای زغال سنگ تولید شده توسط کارگران روسیه و مقایسه هزینه های سرمایه گذاری در این معادن با زغال سنگ های وارداتی سبب شده است که سرمایه داران خصوصی و دولتی رومانی از بازسازی این معادن و هر نوع بهبود شرایط کار کارگران

متوالی معدن جمعیت وسیعی از اهالی شهر پتزیلا سراسیمه و آشفته به سوی محل حادثه شتافتند و در آن جا دست به اجتماع زدند. اجتماع کنندگان عاصی و خشمگین خواستار اطلاع از وضعیت کارگران عمق معدن بودند و فریاد خشم و قهر خویش را بر سر عوامل دولتی سرمایه فرو می کوفتند. معادن زغال سنگ رومانی به لحاظ وخامت شرایط کار و میزان مخاطراتی که به طور مستمر جان توده

در روز یکشنبه ۱۶ ماه نوامبر یکی از معادن مهم زغال سنگ رومانی در شهر «پتزیلا» در یک فاصله زمانی بسیار کوتاه ( حدود چند دقیقه) ۲ بار پی در پی دچار انفجار شد. در جریان وقوع انفجارها در همان دقائق نخست معلوم شد که حداقل ۱۲ کارگر جان خویش را از دست داده اند. ۸ کارگر نیز دچار جراحات سخت شده اند و حال عده ای از آن ها بسیار وخیم گزارش شده است. با صدای انفجارهای

مربوط به دقایق نخست وقوع سانحه است. احتمال افزایش این ارقام بسیار زیاد است. نوامبر ۲۰۰۸

۲۵۰ متری زیر زمین رخ داده است و صدها کارگر در این نقطه کار می کرده اند. آمار اعلام شده تا کنونی شمار کشتگان و مصدومین کامل نیست و ارقام ۱۲ کشته و ۸ زخمی

سرباز زنده. کارگران در مرگبارترین و هولناک ترین شرایط کاری وحشیانه استثمار می شوند و هیچ نوع تضمینی برای سلامتی آن ها در هیچ لحظه ای وجود ندارد. انفجارهای اخیر در عمق

## مرگ جنایتکارانه دو کارگر توسط سرمایه

کربنیک به هنگام خواب جان آنان را می گیرد. زاهد و صالح مثل میلیون ها کارگر دیگر در آستانه سوداندوزی وحشیانه سرمایه داران از زندگی ساقط گردیدند. صاحبان سرمایه، دولت سرمایه داری و کل نظام بردگی مزدی قاتل مستقیم این کارگران و میلیون ها میلیون هم سرنوشتان آن ها می باشند.

۲۶ دی ۱۳۸۷

و سعیت های بدون هیچ مرز و محدوده سرمایه داران مجبور می شدند که شبها را در همان ساختمان محل بیگاری و استثمار هولناک خویش بپیوتنه نمایند. این دو کارگر در یکی از شب ها به دلیل طغیان موج سرما به درون اتاقک یک ماشین اسقاطی پناه می برند. آنان تقلا می نمایند تا به کمک مقداری ذغال چوب آشیانه محقر خود را گرم نمایند و سپس زیر فشار سختی کار روزانه به خواب می روند. زاهد ۳۰ ساله و بختیار ۲۲ ساله هیچ گاه از خواب بیدار نمی شوند. زیرا تراکم سنگین گاز

زاهد صالحی و برادرش بختیار صالحی دو برده مزدی نفرین شده نظام سرمایه داری بودند که زیر فشار فقر و گرسنگی از روستای خامسان شهر کامیاران به سوی تهران فرار کردند تا شاید جانی برای فروش نیروی کار خویش و یافتن لقمه ای نان پیدا نمایند. آنان روزها به کار ساختمانی می پرداختند اما با وجود کار شاق و طاقت فرسا و روزانه کار مرگبار و طولانی قادر به پرداخت اجاره بهای هیچ خانه یا سرپناهی برای خویش نبودند. زاهد و بختیار به همین دلیل و زیر فشار کمی دستمزد

## مرگ کودک کار بر دار استثمار و گرسنه سازی سرمایه

دید، هیچ بارقه ای از امید به زندگی مشاهده نمی کرد. او عرصه حیات را از همه سو بر خود تنگ می دید و زیر فشار همه این نکبت و ادبار و مصائب و سیه روزی های ارمغان نظام سرمایه داری بود که سرانجام تصمیم به خودکشی گرفت. سرمایه قاتل مستقیم مجتبی و مرگ مجتبی برگی از کارنامه سراسر توحش و جنایات نظامی است که با نخستین بارقه های خرید و فروش نیروی کار شروع به بالیدن کرده است و با الغاء کار مزدی واپسین سایه های شوم شرارت و کارگرکشی و موجودیت خود را از سر بشریت کوتاه خواهد ساخت.

۱۱ دی ۱۳۸۷

برای مجتبی فروش نیروی کار در سخت ترین و مرگبارترین شرایط کاری، تحمل شدیدترین و طاقت فرساترین اشکال استثمار سرمایه، احساس حقارت و ذلت و بدبختی اجبار به فروش نیروی کار در این سن و سال و مانند این ها بود. مجتبی با همه اینها، با تحمل شاق ترین کارها و وحشیانه ترین میزان استثمار باز هم قادر به تأمین مایحتاج اولیه معیشتی خود و افراد خانواده خود نمی شد. او همواره اسیر بدهکاری و گرسنگی و فقر بود. جهان موجود، جهان بردگی مزدی، جهان مبتنی بر رابطه خرید و فروش نیروی کار برای مجتبی جهنی سراسر سوزان، کشنده و غیرقابل تحمل بود. او در در سیاهی موحش این جهنم سوزان هیچ دریچه ای به سوی حیات بر روی خود باز نمی

مجتبی جوان ۱۷ ساله ای که از شروع روزهای کودکی تا لحظه مرگ در کارگاههای تاریک و نمور و مرگ آفرین سودسازی سرمایه کار می کرد و استثمار می شد سرانجام زیر فشار فقر و گرسنگی و بدهکاری و سیه روزی، خود را حلق آویز ساخت و تسلیم جوخه مرگ نظام سرمایه داری نمود. مجتبی در خانواده ای کارگر به دنیا آمده بود و از همان روزهای نخست زندگی طوق آهنین بردگی مزدی بر دست و پایش سنگین بود. او زیر فشار گرسنگی و فقدان هر نوع امکانات اولیه زندگی انسانی به جای مدرسه و درس و بحث راهی کارگاههای فروش نیروی کار و سلاخی بردگان مزدی شد. او استثمار شد و استثمار شد و استثمار و شد و باز هم استثمار شد. زندگی

## اشکال تازه کشتار کارگران توسط سرمایه داران

سلب کرده است وحشت از گرسنگی ناشی از بیکاری بسان یک بلیه سراسری و یک بیماری اپیدمی جان میلیون ها کارگر و افراد خانواده های آن ها را تهدید می کند.

۸ دی ۱۳۸۷

پس از استماع خبر اخراج خویش دچار سکنه قلبی شده اند و امکان ادامه حیات را از دست داده اند. در دنیایی که زیر فشار اشباع سرمایه به حال انفجار افتاده است و در مملکتی که کوهساران عظیم محصول کار و تولید سالانه طبقه کارگر امکان تنفس را از بردگان مزدی

سرمایه داران به طور لحظه به لحظه احکام اخراج توده های کارگر را صادر می کنند و کارگران با دریافت این اخبار مرگبارترین و کشنده ترین ضربات را بر پیکر حیات خود تحمل می نمایند. در طول همین چند روز ۲ کارگر در ۲ واحد صنعتی منطقه غرب کشور

## زن گل فروش در شعله های آتش سرمایه سوخت

کارگران را بسیار دقیق حساب کرده بود. حداکثر صرفه جویی در هزینه ساختمان کارگاه، فقدان هر نوع وسایل ایمنی در محیط

استثمار می شد. محل کار صبا زیرزمین بود. سرمایه دار صاحب کارگاه در دفتر محاسبات سود خود تمام شرایط لازم برای استثمار

زن گل فروش، کارگر ۳۰ ساله ای بود که «صبا» نام داشت. او در یک کارگاه گل فروشی در شهر تبریز برای سرمایه دار کار می کرد و

های سوداندوزی خود خاکستر می کند. نجات جان صباها در گرو مبارزه علیه سرمایه داری است. تا نظام بردگی مزدی هست خاکستر شدن لحظه به لحظه انبوه بردگان مزدی گریزناپذیر است. کارگران برای آن که زنده بمانند و مبارزه کنند تا از زندگی کارگری رها شوند باید سرمایه داری را آماج وسیع ترین یورش های خود قرار دهند.

۱۸ آذر ۸۷

فروش نیروی کار خویش هزینه معاش یک خانواده را تأمین می کرد. کارگاه بر اثر انفجار مواد آتش زای انبار شده در درون محوطه تنگ زیرزمین آتش گرفت. سرمایه و روند ارزش افزایی و سودآفرینی سرمایه آتش به پا کرد، آتشی که صبا زن کارگر گل فروش را در یک چشم به هم زدن در میان شعله های خود خاکستر کرد. عامل مستقیم قتل صبا، سرمایه دار صاحب کارگاه و دولت حامی سرمایه داران است. نظام سرمایه داری در هر روز هزاران انسان کارگر همزنجیر صبا را در میان شعله

کار، اجتناب از پرداخت هزینه مکانی برای نگهداری مواد آتش زا و انباشتن تمامی این مواد در محل آمد و رفت کارگران، دستمزد هر چه کمتر به زن کارگر گل فروش، روزانه هر چه طولانی تر کار این کارگر و در یک کلام تمام شرط و شروط لازم برای افزایش حداکثر ارزش اضافی تولیدی توسط کارگران را بسیار حساب شده در کارگاه چند وجبی خویش با هم جمع کرده بود. در دایره این محاسبات تنها چیزی که هیچ محلی از اعراب و هیچ ارزشی نداشت جان کارگر ۳۰ ساله ای بود که باید با

## قتل ۵ کارگر سیمان توسط سرمایه

میلیارد میلیارد سرمایه های بانکی ناشی از حاصل کار و استثمار توده های کارگر است. سقوط دکل برای سرمایه نه فقط زیانبار نیست بلکه دروازه ای به سوی سرمایه ها و سودهای سرشارتر است. دکل می تواند سقوط کند و در جریان سقوط خود چه باک و شاید هم چه خوب اگر باعث خلاصی سرمایه دار از شر چند کارگر قدیمی و جایگزینی آن ها با نیروی کار بسیار ارزان تر و قراردادی و شبه رایگان تر شود!!

۱۸ آذر ۸۷

شعله های سود اندوزی سرمایه را دیدیم و اینک در کارخانه سیمان آبیک مشاهده می کنیم که ۵ کارگر یکجا هنگام سقوط دکل بزرگ کارخانه در زیر لاشه سیمانی دکل جان باخته اند. دو کارگر دیگر همزنجیر اینان که ظاهراً از زیر این دکل به بیرون کشیده شده اند در بیمارستان بستری شده اند. حال این دو کارگر نیز وخیم گزارش شده است. ممکن است پرسیده شود که درست است که سرمایه به جان کارگر هیچ رحمی نمی کند، اما چرا برای جلوگیری از سقوط دکل چاره ای نیندیشیده است؟ پاسخ روشن است. سقوط دکل سرآغاز برنامه ریزی های وسیع مالکان سرمایه برای تصاحب

فتوای حاکمان شرع برده دار در جزیره العرب در سده ششم میلادی بر پایه متون دینی این بود که « اگر کسی برده ات را کشت برده او را بکش!!» برده جزء مایملک برده دار و موجودی مهدورالدم بود، آن سان که قتل را ارباب مرتکب می شد اما مجازات او قتل برده ای دیگر بود. نگاه سرمایه داران به طور کلی و سرمایه داران ایران و دولت آنان به طور خاص به توده های کارگر هیچ تفاوتی با نوع نگاه برده داران به بردگان ندارد. کارگرکشی به شرط این که ریالی به سود سرمایه بیفزاید، در مسلک و مرام و طریقت و شریعت اینان عین ثواب است. در خبر قبلی خاکستر شدن زن گل فروش در

## سرمایه در هر دقیقه ۱۵ کارگر را به قتل می رساند



Photo: Solmaz Pourabdollah

بر اساس گزارش نهادهای بین المللی سرمایه در طول سال ۲۰۰۷ در هر دقیقه ۱۵ کارگر در چهارگوشه جهان در حین استثمار توسط سرمایه داران یا دولت های سرمایه داری به قتل رسیده اند. اشکال این کشتار بسیار متفاوت بوده است. جمعیت عظیمی مطابق معمول در زیر آوار معادن جان باخته اند. توده وسیعی از بردگان مزدی در لای چرخ دستگاه ها و ماشین آلات مراکز بزرگ و کوچک صنعتی له شده و تسلیم مرگ گردیده اند. شمار کثیری از بالای ساختمان ها و آسمان خراش ها سقوط کرده و جان خود را از دست داده اند. انبوهی از کارگران در میان شعله های آتش سوزی های درون کارخانه ها و مراکز کار خاکستر شده اند. شمار کارگرانی که در زیر تپه های عظیم خاک ناشی از فروریزی دیوارها تسلیم مرگ شده اند نیز بسیار بالا است. در یک کلام، در طول سال ۲۰۰۷ مثل همه سال ها در خوشباورانه ترین حالت و بر اساس سخاوتمندانه ترین گزارشات مراجع جهانی سرمایه، بیش از ۸ میلیون توده فروشنده نیروی کار به شکل های مختلف در هنگام کار جان خود را از دست داده اند. وجه مشترک جان باختن همه این انسان ها این بوده که توسط سرمایه، در حین استثمار شدن توسط سرمایه و در جریان تولید ارزش اضافی برای صاحبان سرمایه به قتل رسیده اند. وجه اشتراک دوم تمامی این کشتارها هم آن است که همه آن ها بدون استثنا محصول صرفه جویی سرمایه داران در مورد هزینه های ایمنی کار و تأمین بهداشت محیط کار و به زبان ساده تر محصول تلاش صاحبان سرمایه برای کسب سودهای بیشتر بوده است. جهنم سرمایه داری ایران یکی از مخوف ترین و بیرحم ترین جهنم های کشتار کارگران از همه لحاظ از جمله از نظر بی اعتنائی مطلق صاحبان سرمایه به جان توده های کارگر است.

۵ آذر ۸۷

## سوانح کار در تحلیل مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی

هر شکل و تحت هر شرایطی بر او تحمیل کرده است. بی احتیاطی کارگر به دلیل این است که او زیر فشار فقر و گرسنگی زن و فرزند مجبور است در هر شرایطی ولو به بهای از دست دادن جانش نیروی کار خود را بفروشد و کار کند. بی احتیاطی کارگر به دلیل آن است که کارگر در دنیای فقر و گرسنگی و بدبختی هیچ چشم‌امیدی به زندگی ندارد. بی احتیاطی کارگر به دلیل آموزش ندیدن و بی اطلاعی وی از ابعاد مخاطرات انجام کار است. بی احتیاطی کارگر به دلیل این است که او هنگام کار فکرش متوجه هزار بدبختی زندگی اش می‌شود و هوشیاری لازم برای پیشگیری از سانحه را از دست می‌دهد و یک لحظه غفلت کافی است تا مرگبارترین حادثه برای او روی دهد. در یک کلام، بی احتیاطی کارگر محصول همه شرایط آکنده از جنایت و شرارت و توحشی است که نظم سرمایه داری، سرمایه داران، دولت سرمایه و دولتمردان این نظام از جمله آقای مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی بر او تحمیل کرده است. کارگر انسان است و همچون هر انسانی به جان خود علاقه مند است. این سرمایه است که هر نوع عشق به زندگی و زنده بودن و مراقبت در حفظ جان را در کارگر می‌کشد.

۲۸ آبان ۸۷

حادثه‌ترین شکل مورد استنثار قرارگیرد و به محض این که در لای چرخ ماشین له شد، زیر آوار دفن گردید، در میان شعله های آتش سوخت یا به هر دلیل دیگر جانش را از دست داد کارگر ارزان تری را به جای او به کارگیرند. این شالوده کار سرمایه است و در جامعه سرمایه داری ایران تنها و تنها معیار داوری صاحبان سرمایه در مورد چگونگی برخورد آن‌ها به امنیت جانی کارگران در حین کار است. سازمان تأمین اجتماعی به شکل بسیار کثیف و مزورانه ای کل این حقایق را وارونه ساخته است و در نهایت عوام فریبی این گونه ادعا می‌کند که گویا عامل اصلی یا تنها عامل وقوع سوانح محیط کار بی احتیاطی توده های کارگر است. مدیرعامل ضدکارگر این سازمان مدعی است که در سال گذشته نزدیک به ۱۵۰۰۰ هزار کارگر صرفاً به خاطر عدم احتیاط لازم اسیر حادثه شده اند!! ادعای این مدیرعامل سرمایه از بیخ و بن دروغ است. ما بالاتر به علل ریشه ای و واقعی بروز سوانح محیط کار اشاره کردیم. اما یک نکته دیگر را نیز باید بسیار کوتاه توضیح دهیم. حتی مقوله بی احتیاطی کارگر نیز جنایتی است که سرمایه دار مرتکب می‌شود و آقای مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی فقط وظیفه دفاع از این جنایت را به دوش گرفته است. بی احتیاطی کارگر به دلیل اجباری است که سرمایه دار برای انجام کار به

هر روز حوادث بسیار زیادی در مراکز مختلف کار و تولید در نقطه نقطه جهنم سرمایه داری ایران روی می‌دهد. علت همه رویدادها فقط یک چیز است: سوداندوزی هرچه بیشتر سرمایه داران و اجتناب سرسختانه آنان از قبول هزینه ایمنی کار. این را هر کارگری می‌داند. سرمایه داران صرفاً به سود بیشتر می‌اندیشند. آنان هزینه هیچ ریالی را برای تهیه لوازم ایمنی کارگران و کاهش مخاطرات مهلک موجود در شرایط کار برعهده نمی‌گیرند و پذیرش آن را کاهش ریالی از سود خود می‌دانند و هیچ نوع هزینه ای برای آموزش کارگران در زمینه مسائل ایمنی محیط کار نمی‌کنند. از مجبور ساختن کارگران به کار در محل هایی که خطر مرگ و میر در آنجا حتمی است هیچ پروایی ندارند، زیرا جان کارگر در قاموس آن‌ها حائز پیشیزی ارزش نیست. وجود چاه عمیق ۱۵۰ متری در نقطه آمد و رفت مدام کارگر تازه وارد را به او اطلاع نمی‌دهند زیرا ارزش چند ثانیه وقت سوداندوزی های خویش را به جان کارگر و افراد خانواده وی ترجیح می‌دهند. ۲۰ تا ۲۰ تا کارگر مورد استنثار هولناک خویش را به «استراحت» در ساختمان در شرف ریزش مجبور می‌کنند زیرا بهای اجاره یک آلونک نمور ارزان در دستمزد نازل آن‌ها منظور نمی‌کنند. بنیاد برخورد آن‌ها به کل این مسائل آن است که کارگر تا زنده است باید به

## سازمان تأمین اجتماعی و آمار سوانح کار

آمار سازمان در طول یک سال فقط ۱۳ کودک کار در حین استنثار توسط سرمایه داران دچار حادثه شده است!! با این همه، حتی همین آمار و ارقام دست و پاشکسته بیانگر شدت بیرحمی و قساوت نظام سرمایه داری در کشتار و قلع و قمع انسان های کارگر در محیط های کار و تولید است.

۱۵ آبان ۸۷

باره این که ارقام منتشره سازمان تأمین اجتماعی پیرامون سوانح محیط کار چند درصد مجموع سوانح سالانه محیط کار را شامل می‌گردد بدبختانه هیچ آمار درستی در دست نیست. اما به قول معروف «رنگ رخساره گواهی دهد از سر ضمیر». کافی است فقط آمار حوادث مربوط کودکان کار زیر ۱۵ سال را ملاک قرار دهیم تا میزان صحت همه آمارهای دیگر و کل اعداد و ارقام اعلام شده سازمان مذکور مشخص شود. مطابق گزارش آقای مدیر دفتر

مدیر کل دفتر آمار سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده که در سال گذشته در مجموع ۲۴ هزار و ۷۵ حادثه در مراکز و محیط های مختلف کار در سراسر جامعه روی داده که ۶ هزار و ۸۴۱ مورد به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال و حدود ۴ هزار و ۴۵۲ مورد نیز به گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ مربوط می‌شده است. این سازمان کل حوادث دامنگیر افراد کمتر از ۱۵ سال را فقط ۱۳ مورد و برای سالخوردهگان بالای ۷۰ سال ۴۴ فقره گزارش کرده است. در

## از سرنوشت ۲۶ کارگر معدن در چین هیچ خبری نیست

می‌آیند. در معدن سرمایه داری چین هر روز حداقل ۱۳ کارگر قربانی سود آوری سرمایه جهانی می‌شوند.

نوامبر ۲۰۰۸

اثری نیست. همه این کارگران در یکی از معدن زغال سنگ کار می‌کرده اند. این معدن در شمار پرتلفات ترین مراکز کاری دنیا هستند و، به بیان صریح تر، کشتارگاه های همیشه فعال سرمایه برای ریختن خون کارگران در پای درخت سود سرمایه و آبیاری دشت های عظیم تولید ارزش اضافی به شمار

بیش از ۳ شبانه روز از آخرین حادثه ریزش معدن در چین می‌گذرد. تا لحظه حاضر اجساد بی جان ۳ کارگر را از زیر آوار معدن خارج کرده اند. ۷ کارگر از کل کارگران حاضر در شیفت کاری توانسته اند از خطر فاجعه کشتار ناشی از وقوع حادثه بگریزند و از ۲۶ معدنچی دیگر کماکان هیچ



## قطع دست یک کارگر هنگام کار

شود؟ ما این سؤال را از سرمایه داران و دولت آن ها نمی کنیم. زیرا جواب آن ها بسیار روشن است. در مرام و مشرب و مذهب آن ها کارگر انسانی بی ارزش و حتی مهدورالدم است. این سؤال را ما از همزنجیران کارگر خویش در سراسر ایران و جهان مطرح می کنیم. تا کی باید کارگر این گونه قربانی سود سرمایه دار شود؟ و برای این که چنین نشود چه کار باید بکنیم؟

۱ آبان ۸۷

دهد که هیچ کارگر قدیمی حتی برای چند دقیقه هم وقت کار خود را صرف آموزش علی نکند. او طبعاً می توانست این را پیش بینی کند که علی تازه وارد ناآشنا با چرخ گوشت خردکنی به دلیل فقدان تجربه لازم دچار سانحه خواهد شد و دستش را برای همیشه از دست خواهد داد. او می توانست این را پیش بینی کند اما وحشت چند دقیقه توقف چرخ تولید سود مانع شده که او نحوه کارکردن درست با این ماشین را به علی آموزش دهد. دست علی مرزداری اینک قربانی سود صاحب سرمایه شده است. او از هیچ نوع بیمه ای هم برخوردار نیست. تکلیف زندگی علی و پدر و مادر و همسر و فرزندانش چه می

« علی مرزداری » کارگر کارخانه کالباس سازی در شهر اردبیل است. او ۲۲ سال دارد و کار وی چرخ کردن گوشت برای تولید کالباس است. علی فقط یک روز آن هم چند ساعت در کارخانه کار کرده بود که دستش لای چرخ ماشین گیر کرد و از پیکرش جدا شد. ماجرا از این قرار است که او در همان دقایق نخست ورود به سالن کارگاه بدون هیچ نوع آموزش و بدون این که کمترین اطلاعی درباره چگونگی کار با ماشین گوشت چرخ کنی داشته باشد، به دستور کارفرما کارخویش را شروع می کند. سرمایه دار برای بخشیدن شتاب هر چه بیشتر به چرخ تولید سود سرمایه هایش ترجیح می

## شمار کارگران مقتول در معادن چین به ۲۸ نفر رسید

کرده اند، بر شمار قربانیان آنان نیز افزوده شده است. هیچ ماهی نمی گذرد که مراکز کار و تولید چین شاهد کشتار کارگران به خاطر تامین سودآوری سرمایه نباشد.

اوت ۲۰۰۸

های چین امروز اعلام کردند که شمار کشته شدگان از رقم فوق بیشتر است. آن ها نوشته اند که جسد هفت کارگر دیگر نیز در کنار اجساد همزنجیران دیگر آن ها پیدا شده است. چین در طول سال های اخیر شاهد رشدی غول آسا در حوزه های مختلف سرمایه گذاری بوده است. هر چه سرمایه بیشتر انباشت شده، هر چه سرمایه داری چین نیرومندتر شده، هر چه کارگران چینی سرمایه های عظیم تری تولید

نهادهای دولت سرمایه داری چین امروز اعلام کردند که جسد ۱۱ کارگر دیگر را از زیر آوار معدن بیرون کشیده اند. دیروز در خبرها خواندیم که چند قدم آن سوتر از محل برگزاری مراسم ۴۸ میلیارد دلاری المپیک در چین ۱۷ کارگر در بدترین شرایط کاری و به دلیل اجتناب سرمایه داران از تأمین حداقل امکانات ایمنی در زیر توده عظیم خاک فرو ریخته از معدن جان خود را از دست داده اند. روزنامه

## کشته شدن ۱۷ کارگر دیگر در معادن چین

معدن ها در زیر آوارهای انبوه سرمایه دفن شدند. علاوه بر این ۱۷ کارگر، ۶ همزنجیر دیگر آن ها نیز به شدت آسیب دیدند و به جمع معلولان مادام العمر توحش سرمایه داری پیوستند.

اوت ۲۰۰۸

کار بردگان در ساختن دیوار چین برای خاقان این دیار و یا همزنجیران برده آن ها در برپایی اهرام ثلاثه مصر برای فراعنه آن ایام است. کمی آن سوتر از المپیک و در روزهای برگزاری این مراسم ۴۸ میلیارد دلاری، ۱۷ کارگر چینی، به دلیل فقدان هر نوع ایمنی محیط کار و به خاطر محرومیت از ابتدایی ترین امکانات ایمنی حین کار، در اعماق تاریک

دولت سرمایه داری چین میزبان بازی های المپیک است و برای این کار ۴۸ میلیارد دلار از حاصل کار و استثمار طبقه کارگر چین را هزینه کرده است. در تدارک این مراسم ۴ سال تمام جمعیت عظیمی از کارگران از جمله کودکان به صورت هولناکی استثمار شده و به انجام فرساینده ترین کارها مجبور گردیده اند. بخش هایی از کار سخت این کارگران یادآور

## مصدوم شدن یک کارگر در ایران خودرو



یکی از کارگران ایران خودرو که در قسمت کنترل تکمیل کار می کرد هنگام کار دچار سانحه شد و دستش لای چرخ ماشین گیر کرد. این کارگر در زمره بردگان مزدی ارزان بهایی است که اخیراً به دنبال اخراج شمار فراوان کارگران پیمانکاری کارخانه با نازل ترین میزان دستمزد مشغول کار شده است. او برای شروع کار خود هیچ نوع آموزشی ندیده است، زیرا در مسلک و مرام سرمایه داران ایران پرداخت یک ریال برای آموزش های مربوط به ایمنی جان کارگران عین اسراف و تبذیر و کفران نعمت است. بدترین کفران نعمت ها در رساله شرعی و عرفی این جماعت آن است که انسان حق سودآوری هر چه عظیم تر سرمایه را درست رعایت نکند و در تضمین سود حداکثر سرمایه ها به هر شکل و عنوانی کوتاهی کند. کارگر مصدوم به بیمارستان منتقل شده است. در باره وسعت و شدت آسیب دیدگی او هیچ خبری نرسیده است.

۲۶ مهر ۸۷

## کشتار کارگران ساختمانی در اصفهان

که به حکم سرمایه دار صاحب شرکت در طبقه ششم ساختمان کار می کرد ناگهان پایش لغزید و یک راست به چاه آسانسور سقوط کرد. نقطه ای که این کارگر در آن جا کار می کرد هیچ شانس برای حفظ تعادل وجود نداشت. سرمایه دار شرکت هیچ وسائل ایمنی در اختیار کارگر قرار نداده بود و پرداخت یک ریال را هم برای حفظ جان کارگر امری غیر ضروری و بی معنی می دانست. حادثه خیابان میر فقط چند وقتی پس از واقعه دلخراش خیابان سپهسالار رخ می داد. در این جا نیز کارگری که در طبقه هفتم به حکم کارفرما بدون داشتن هیچ وسائل ایمنی و در بدترین شرایط کاری استثمار می شد تعادل خود را از دست داد و از ارتفاع چند ده متری با سر به زمین سقوط کرد و در دم جان داد. خون این کارگر کف خیابان را رنگین ساخت.

۲۳ مهر ۸۷

را دچار اجبار نساخته باشد به عبور از آن نقطه تن نمی داده است. اما این کارگر مجبور بود و سرمایه دار صاحب شرکت با سوء استفاده دژخیمانه از اجبار این کارگر او را در قتل گاه به تولید سود برای سرمایه مشغول ساخته بود. بنا به نقل خبرنگاران ساعتی بعد که معاون شهرداری منطقه برای تماشای صحنه کشتار به آن جا آمد هیچ رغبتی به مشاهده وضع دیوار فروریخته، دلیل ریزش، چیزی به نام شرایط کار و طرح ضرورت لوازم ایمنی و دلیل نبودن آن و نوع این مسائل نداشت. او با آمدن به آن جا هم وظیفه اداری و هم تکلیف شرعی خود را به اندازه کافی به جا آورده بود. از این هم مهم تر، ضرورت پاسداری از منافع کارفرمایان و دفاع از حریم قدس سرمایه به هیچ وجه جایی برای رغبت او به موضوعاتی که گفتیم باقی نمی گذاشت. کشتار کارگران ساختمانی در شهر اصفهان و همه شهرهای دیگر ایران امر رایج و همیشگی سرمایه داری ایران است. همین چندی پیش در خیابان میر در منطقه ۶ کارگری

در طول ماه های اخیر سرمایه داران بخش ساختمان در شهر اصفهان بسیاری از بناهای جدید خود را با ریختن خون کارگران و قربانی ساختن جان بردگان مزدی به اتمام رسانده اند. آخرین حادثه در خیابان شیخ صدوق رخ داده است. کارگر ۳۰ ساله ای که مشغول گودبرداری بوده است ناگهان زیر آوار دیوار بلند مماس با گود می ماند و زیر ده ها تن خاک مدفون می شود. خارج ساختن جسد کارگر از زیر آوار برای مدتی به درازا می کشد. وقتی کارگر را از زیر خاک خارج کردند استخوان جمجمه او بر روی سنگ های پیرامون پخش بود. این کارگر اهل شهر فلاورجان بوده است که برای فروش نیروی کار خویش راهی اصفهان شده بود. او همسر و یک کودک خردسال دارد. با مرگ وی این هر دو انسان نیز به برهوت گرسنگی و فقر و تن فروشی پرتاب شدند. احتمال ریزش دیوار آن قدر بالا بوده است که هیچ فرد عابری، هیچ آدم غیرمجبوری و هیچ کس که تیغ نیز گرسنگی او

## سقوط و مرگ دو کارگر در چاه ویل سودجویی سرمایه

داشته باشد ناگهان به عمق ۵۰ متری چاه سقوط می کند و در دم جان می سپارد. کارگر دوم از توده بردگان مزدی افغان بوده است. او نیز در چهارراه یافت آباد واقع در بزرگراه سعیدی توسط یک شرکت ساختمانی استثمار می شده است. این کارگر ۵۰ ساله بی اطلاع از وجود کمینگاه مرگ هنگام کار در یک چاه ۳۰ متری سقوط کرده و در همان لحظات نخستین جان باخته است.

۲۲ مهر ۸۷

خاصیت و مورد مصرف آن ها گرفتن جان کارگران است. به نظر می رسد که بستن دهانه این چاه ها هزینه چندان هم ندارد. با این همه، سرمایه داران حتی حاضر به پرداخت این هزینه های ناچیز هم نیستند. آخرین گزارش از این دست مربوط به مرگ دو کارگری است که همین امروز در چاه ویل سودجویی سرمایه سقوط کرده اند. یکی از این دو نفر در خیابان نیاوران برای یک شرکت ساختمانی کار می کرده است. او هنگام راه رفتن بدون این که از وجود چاه در محل کار خویش هیچ اطلاعی

سوانح محیط کار و مرگ و میرهای انبوه کارگران در هنگام کار صرفاً محصول سودجویی صاحبان سرمایه و خودداری آن ها از پرداخت هزینه ایمنی محیط کار و وسائل حفاظتی مورد نیاز کارگران است. در چند ماه اخیر شمار کثیری از کارگران در محیط های کار و در شرایط هولناک استثمار به عمق چاه سقوط کرده اند. سرمایه داران صاحب این مراکز کار و تولید از وجود این چاه ها مثل روز روشن اطلاع دارند. این چاه ها عموماً در این مراکز مورد استفاده هم نیستند و انگار تنها

## آتش سوزی در واحد تقطیر پالایشگاه اصفهان

کار و وسایل حفاظت از جان کارگران را نپردازد و در عوض آن را به سود خود اضافه کند.

۲۱ مهر ۸۷

میزان سوختگی ها و شدت آسیب دیدگی ها هیچ معلوم نیست. کارگران مصدوم توسط یک شرکت پیمانکاری استثماری شده اند. شرکت مزبور به روال همه شرکت های آدم فروشی مشابه ترجیح داده است که هزینه ایمنی محیط

واحد تقطیر پالایشگاه گاز و نفت اصفهان دچار آتش سوزی شده است. علت حریق و انفجار ظاهراً انباشت حجم فراوان بنزین و ازدیاد درجه حرارت در واحد دچار حادثه بوده است. در این انفجار حداقل ۱۶ کارگر آسیب دیده اند.

## کشته شدن یک کارگر ساختمانی هنگام کار در سندانج

کارش به گونه ای بود که همیشه مرگ در نیم قدمی اش کمین کرده بود. بالا رفتن از ساختمان های بلند، کار در ارتفاعاتی که حفظ تعادل را بسیار دشوار و گاه غیرممکن می سازد و انجام

مسئولان شرکت در ارتفاع بسیار بالا بدون داشتن هیچ نوع امکانات ایمنی کار می کرد که ناگهان پایش لغزید و نتوانست خود را کنترل کند. کارگر مذکور ۵۵ سال داشت. شرایط

یک کارگر ساختمانی در شهر سندانج از بالای یک ساختمان سه طبقه به زمین سقوط کرد و در دم جان داد. این کارگر توسط سرمایه دار یک شرکت ساختمانی استثمار می شد. او به دستور

شرایط فروش نیروی کار در جهنم سرمایه داری ایران است.

۱۵ مهر ۸۷

نیروی کارش فقط انجام سخت ترین کارها را از او نمی خواستند بلکه قبول خطر مرگ را نیز به گونه نامکتوب بر وی تحمیل می کردند. کارگر مقتول همواره زیر بختک مرگ کارمی کرد. کارکردن در زیر بختک مرگ از جمله

همه این ها بدون حداقل امکانات حفاظتی لازم پیوسته مرگ را در پیش روی وی مجسم می ساخت. او هر صبح زیر فشار گرسنگی و اجبار زندگی راهی جایی برای فروش نیروی کار خود می شد. سرمایه داران در جریان خرید

## سرمایه و سلاخی اعضای بدن کارگران در هنگام کار

۷. صورت ۸۵۵ کارگر سخت آسیب دیده و حالت طبیعی خود را به طور کامل از دست داده است.
  ۸. گردن ۲۶۸ کارگر شکسته است.
  ۹. ۷۱۵ کارگر انگشتای پای خود را از دست داده اند.
  ۱۰. ۸۷۸ کارگر به شکستگی ستون فقرات دچار شده اند.
  ۱۱. آسیب دیدگی کارگران در سایر اعضا ۱۶۵ مورد برآورد شده است.
  ۱۲. ۴۲۷ کارگر در تمام اعضای بدن دچار آسیب شده اند.
  ۱۳. ۴۳۶ مورد هم اصلاً گزارش نشده است.
- یادآوری: آمار کشته شدگان در این گزارش لحاظ نشده است.
- ۱۴ مهر ۸۷

- بر اساس آمار منتشره از سوی سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۶ بیش از ۲۵ هزار و ۴۵۹ حادثه حین کار برای کارگران روی داده است که در آن ها:
۱. پای ۶ هزار و ۵۹۵ کارگر قطع شده است.
  ۲. انگشت یا انگشتان ۵۰۳ هزار کارگر طعمه تیغ شده و قطع گردیده است.
  ۳. ۱۰۵ هزار کارگر دست یا دستان خویش را از دست داده اند.
  ۴. جمجمه ۳۷۱ کارگر شکسته شده است.
  ۵. مغز ۷۱ کارگر متلاشی گردیده است.
  ۶. چشم یا چشمان ۵۰۴ کارگر کور شده است.

## کشته شدن یک کارگر در سیمان بجنورد



سرمایه این بار در هیئت عایق سیلوی سیمان گلوی کارگری را فشار داد و او را از ارتفاع ۲۵ متری با قساوت و بیرحمی تمام به زمین پرتاب کرد. کارگر مزبور به گونه بسیار رفت باروغم انگیزی جان داد. او زیر فشار جبر کارگربودن، به حکم سرمایه و در هنگام استثمار شدن توسط سرمایه از هستی ساقط شد. با مرگ این کارگر زندگی تمامی افراد خانواده او نیز به سیاهی نشست و جغد شوم گرسنگی و فقر و مذلت بال خود را بر سر و روی آنان پهن کرد. این نخستین حادثه کشتار کارگران در کارخانه سیمان بجنورد نیست. سال پیش نیز ۳ کارگر دیگر در هنگام کار در اثر ریزش سقف سیلو زیر هزاران تن خاک دفن شدند. از نگاه سرمایه داران جان صدها کارگر بسیار بی بهاتر از آن است که به خاطر حفظ آن چند قطره از دریای سود سرمایه های خویش بکاهند و برای ایمنی محیط کار کارگران هزینه کنند.

۱۴ مهر ۸۷

## آمار تلفات سوانح هنگام کار به روایت سازمان تأمین اجتماعی

بخش حداقل ۶۳۰ کارگر حین کار کردن به قتل رسیده اند و با این که به جرگه از کارافتادگان مادام العمر پیوسته اند. با قتل و از کار افتادگی این کارگران حداقل ۶۳۰ خانواده و در هر خانواده چندین انسان تنها نان آور خویش را از دست داده و به نفرین شدگان گرسنه جهنم سرمایه افزوده شده اند.

۱۳ مهر ۸۷

شمار سوانح برای کل سال ۱۳۸۶ به بیش از ۲۳ هزار مورد رسیده است که در قیاس با سال پر از سانحه ۱۳۸۵ باز هم ۹٪ افزایش داشته است. در سال ۸۵ تعداد سوانح هنگام کار حدود ۲۱ هزار مورد بوده است.

در سال ۸۶ تعداد کل مقتولان و از کار افتادگان ناشی از سوانح کار ۲ هزار و صد نفر گزارش شده است.

۳۰٪ کل مقتولان و مجروحان سوانح کار به بخش ساختمان اختصاص داشته است. در این

فقط در نیمه نخست سال ۱۳۸۶ بیش از ۶۳۴ ۱۱ حادثه هنگام کار برای کارگران رخ داده است. در جریان وقوع این حوادث حداقل ۶۰ کارگر در همان لحظه نخست جان خویش را از دست داده اند.

بیشترین حوادث برای کارگران متأهل رخ داده است که به خاطر تأمین معاش فرزندانشان مجبور بوده اند به هر خطری تن دهند. شمار کشته شدگان و مصدومان و مجروحان این بخش در همان ۶ ماهه اول سال مذکور از ۸ هزار و ۷۲۹ نفر فراتر رفته است.

## قربانی شدن یک کارگر در انفجار تانکر ذوب قیر



Photo: Ahmad Madeni

انفجار تانکر ذوب قیر کارگر دیگری را قربانی گرفت و از هستی ساقط ساخت. این کارگر برای شرکت آسفالت سازی «روژه لات» در جاده سقز - مریوان کار می کرد و توسط صاحب این شرکت استئمار می شد. او به حکم کارفرمای مالک شرکت مجبور بود که در کنار تانکر ذوب قیر کار کند. هیچ نوع پوشش ایمنی و هیچ وسیله ای برای حفاظت در مقابل حوادث مرگبار محیط کار با خود به همراه نداشت. تانکر بدون هیچ محاسبات ایمنی و هیچ نوع کنترل فنی در حال داغ شدن بود که ناگهان منفجر شد. حادثه انفجار تانکر به گرفتن جان کارگر مزبور محدود نشد. دو همسر نوشت دیگر او نیز که در همان جا کار می کردند سخت زخمی شدند. از چند و چون حال این دو کارگر مصدوم و مجروح هیچ گزارشی داده نشده است. کارگر مقتول و هر دو همزنجیر مجروح وی طبق معمول به صورت قراردادی کار می کردند. آنان شدن این کارگران تمامی افراد خانواده آنان نیز نه فقط به خاطر از دست دادن یا معلول شدن آن ها، که در وحشت گرسنگی و مرگ تک تک خویش به سوگ نشسته اند. چرا کارگران کشته و مجروح شدند؟ زیرا تانکر منفجر شد. چرا تانکر منفجر شد؟

زیرا برای جلوگیری از انفجار آن باید درصد بسیار کمی از حجم اضافه ارزش های تولید شده توسط کارگران به امکانات ایمنی محیط کار اختصاص داده می شد و سرمایه دار پرداخت این مبلغ ناچیز را به سود خود نمی دانست. چرا سرمایه دار مبلغ ناچیزی سود افزون تر را به جان کارگران ترجیح داد؟ زیرا بود وبقای صاحبان سرمایه درگرو سوداندوزی هرچه بیشتر و بی ارزش دانستن جان کارگران است. چرا صاحبان سرمایه به خود اجازه می دهند هیچ ارزشی برای جان کارگران قائل نشوند؟ زیرا از یک سو قدرت و حکومت و قانون و نظم و دولت و سپاه و ارتش و دانشگاه و کل نظم

اجتماعی حاکم از آن سرمایه، در خدمت ماندگاری سرمایه و ضامن بقای استئمار کارگر توسط سرمایه است و از سوی دیگر کارگران هیچ قدرتی ندارند. و بالاخره سنوال آخر این که چگونه می توان از وقوع این جنایات جلوگیری کرد؟ تنها راهش این است که کارگران تبدیل به قدرت شوند و گام نخست قدرت یابی کارگران هم سازمانیابی سراسری و شورایی و ضد سرمایه داری آن ها حول «منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران» است.

۱۳ مهر ۸۷

## کشته و زخمی شدن ۶ کارگر هنگام کار برای سرمایه دار

می کند. این سناریو ارزش و اعتبار کارگر را به روشنی نمایش می دهد. هر کجا که پای ضرورت افزایش سود در میان است چه باک اگر هزاران کارگر قربانی یک ریال سود بیشتر سرمایه شوند!!

۸ مهر ۸۷

کار می کرده اند و هنگام کار کانال فاضلاب شهر با تمامی سرعت و قدرت بر سر و روی آن ها سرازیر شده است. رفتار این گونه با توده های کارگر و گسیل آن ها بدون هیچ نوع وسیله ایمنی و حفاظتی به قتلگاه سودسازی سرمایه سناریوی سیاه پلیدی است که طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ایران آن را لحظه به لحظه در سراسر کشور برای کارگران اجرا

روزنامه ها نوشته اند که ۳ کارگر آب و فاضلاب در شهر بجنورد در حین کار برای سرمایه دار جان خویش را از دست داده اند. در همین گزارش ها گفته شده است که ۳ کارگر دیگر همزنجیر این کشته شدگان نیز سخت مجروح شده و برای مداوا به مراکز امدادی!! منتقل شده اند. این ۶ کارگر در منطقه ای به نام آرامستان جاوید در شبکه جمع آوری فاضلاب

## پرونده کشتار کارگران «باب نیزو» چه شد؟

جای شگفتی دارند؟ بی گمان نه! آنان کاری را می کنند که سرمایه می خواهد. سنوال اساسی در این رهگذر این است که پرونده قتل های زنجیره ای کارگران باب نیزو باید توسط چه کسانی پیگیری شود؟ پاسخ بسیار ساده و شفاف است. فقط جنبش متشکل ضدسرمایه داری توده های کارگر است که می تواند در عروج هر چه گسترده تر، نیرومندتر و سازمان یافته تر، با تحمیل مطالبات پایه ای خود بر صاحبان سرمایه اولاً از وقوع این جنایت ها جلوگیری کند و ثانیاً با تحکیم هر چه بیشتر موقعیت پیکار

این همه فاجعه و کشتار در دل سنگ تر از سنگ صاحبان سرمایه و عمال دولتی نظام بردگی مزدی هیچ تاثیری نکرد. مدت مدیدی از وقوع فجایع انسانی در معدن باب نیزو می گذرد اما هیچ کس در هیچ کجا هیچ کلامی بر زبان نمی راند که بالاخره به سر پرونده این جنایت ها چه آمد. اداره کار استان کرمان می گوید که گزارش خود را به سازمان صنایع داده است. نهاد اخیر سکوت می کند. دادگستری سرمایه اظهار بی اطلاعی می کند. آیا این نوع واکنش ها از جانب عمال دولتی نظام سرمایه داری

چندین سال از قتل ۹ کارگر و چند ماه از قتل ۲ کارگر دیگر در عمق معدن باب نیزو در استان کرمان می گذرد. این کارگران به فجیع ترین و دلخراش ترین شکل توسط سرمایه کشته شدند. اطلاعات زیادی حاکی است که شمار کشتگان کارگر این معدن به همین چند نفر محدود نمی شود. سینه های شکافته و مغزهای منفجر شده این کارگران به خاطر استنشاق گازهای کشنده سمی در عمق چند صد متری زیر زمین هر فردی را که کمترین بارقه ای از احساس انسانی در او وجود داشت یکسره منقلب می کرد. اما

## قتل کارگر ۱۳ ساله هنگام کارمزدی

برای تعمیق و تشدید هر چه بیشتر استثمار و برای کسب هر ریال سود افزون تر به هر سلاخی و جنایت و حمام خونی هم دست می زنند.

۱۷ شهریور ۸۷

سرمایه مجبور بود مدرسه و درس و آموزش را رها کند و برای معاش خویش و پدر و مادر و افراد خانواده اش به فروش نیروی کار روی آورد. این کارگر در سخت ترین و مهلک ترین شرایط کاری مورد استثمار قرار می گرفت. با سن اندک خود مطلقاً توانایی تحمل فشار این کار را نداشت. سرمایه فقط استثمار نمی کند.

یک کارگر ۱۳ ساله در شهر هرسین در استان کرمانشاه که توسط یک شرکت ساختمانی استثمار می شد دربرخورد با بالابر جان خود را از دست داد. او در زمره میلیون ها کودک کار در جامعه سرمایه داری ایران و صدها میلیون کودک کار در سطح جهان بود. او زیر فشار فقر و گرسنگی ناشی از استثمار جنایت آمیز

## کشتار کارگران با مواد بیماری زا توسط سرمایه

شرکت به رغم هراس و وحشت از بیکاری بارها علیه مخاطرات جانی ناشی از ادامه این وضع دست به اعتراض زده اند. اما این اعتراضات به هیچ نتیجه ای منتهی نشده است. سرمایه داران با استفاده از حمایت گسترده نهادهای دولتی سرمایه قربانی ساختن شمار هر چه بیشتر کارگران در آستان سوداندوزی های عظیم خویش را امری بسیار طبیعی و معمول تلقی می کنند.

۱۶ شهریور ۸۷

کار ادامه می دهند. در جامعه ما گزارش شمار کارگرانی که در اثر آلودگی های شیمیایی محیط کار به سرطان و سایر بیماری ها دچار می شوند نه فقط معمول نیست بلکه در شمار کارهای ممنوعه است. با وجود این، آمار و ارقام مربوط به مبتلایان سرطان درون این مراکز تولیدی که حتی به روزنامه ها راه یافته بسیار وحشت زا است. کارخانه آزبست کرمان از جمله مراکز کاری است که در تولید محصولات خویش از این مواد به میزان زیاد استفاده می کند و شمار کارگران کارخانه که در همین رابطه به سرطان مبتلا شده و جان خویش را از دست داده اند بسیار بالاست. کارگران این

آزبست از جمله مواد شیمیایی مسموم و مهلکی است که کار با آن ابتلا به سرطان و بیماری های مرگ آور دیگر را به دنبال دارد. میزان مخاطرات ناشی از تماس انسان با آزبست در حدی است که حتی نهادهای دولتی سرمایه، حداقل روی کاغذ و در چهارچوب بخشنامه نویسی های رایج عوامفریبانه، نسبت به آن هشدار داده اند. با همه این ها بسیاری از کارخانه ها کماکان در مقیاس های سنگین از این مواد مهلک استفاده می کنند و بدین سان پیوسته با جان انبوه کارگران بازی می کنند. صنایع تولید ورقه های یونولیت و کفش پوش از جمله مراکزی هستند که در سطحی وسیع به این

## کشتار کارگران در پارکینگ سازی سرمایه

دو کارگر هیچ کدام بیمه نبوده و نیستند، زیرا اساساً یک و نیم میلیون کارگر ساختمانی در جهنم سرمایه داری ایران از هیچ نوع بیمه ای برخوردار نیستند.

۹ شهریور ۸۷

امکانات ایمنی، در یک شرایط بسیار هولناک مشغول کار بودند. در ارتفاع بسیار بالا و نقطه بسیار خطرناکی که این دو کارگر استثمار می شدند امکان حفظ تعادل انسان به طور واقعی وجود ندارد و نزدیک به صفر است. سرمایه داران و دولت آن ها با محاسبه این که کارگر مفت و مجانی و ارزان بها فراوان است پیشیزی برای جان این کارگران ارزش قائل نیستند. این

دو کارگر ساختمانی در حین کار برای سرمایه داران در پارکینگ خیابان فلسطین از بالای ساختمان سقوط کردند. یکی از آنان همان لحظه نخست کشته شد و دیگری نیز هیچ امیدی به ادامه حیات ندارد. پارکینگ یاد شده متعلق به دولت سرمایه داری است که به صورت یک بنای عظیم چند طبقه تجاری در دست ساختمان است. این کارگران بدون داشتن هیچ نوع

## باب نیزو، کارگاه یا کشتارگاه؟

شوند و در دم جان می سپارند. علاوه بر این دو کارگر، ۵ همزنجیر دیگر آنان نیز در همان نقطه مسموم می شوند که از وضعیت جسمی آنان هیچ اطلاعی در دست نیست. معدن باب نیزو علاوه بر نداشتن دستگاه های تهویه قوی و سالم که باعث مرگ کارگران در چند سال پیش شد فاقد هر نوع دستگاه هشداردهنده تراوش گاز است و درست از همین رو تمام کارگران هنگام کار پیوسته در معرض خطر گازگرفتگی،

در یک چشم به هم زدن جان ۱۱ کارگر را گرفت. حادثه اخیر نیز درست در همان جا، به همان سیاق و زیر فشار همان شرایط مرگبار تحمیل شده از سوی همان سرمایه داران، روی داده است. دو کارگر معدن در ساعت ۱۲ روز شنبه دوم شهریور ۸۷ در حالی که در عمق چندصد متری معدن در هولناک ترین شرایط کاری، بدون هیچ نوع حفاظ ایمنی و وسائل نجات مشغول کار بوده اند اسپر نشت گاز می

صاحبان معدن «باب نیزو» در استان کرمان باز هم شمار دیگری کارگر را با درنده خویی و بیرحمی تمام در بارگاه سودآوری سرمایه قربانی کردند. حادثه تکان دهنده و جانخراش کشتار ۱۱ کارگر در این معدن توسط مالکان سرمایه هنوز در خاطره همه همزنجیران و همسرنوشتان آنان باقی است. چند سال پیش بود که دست تبهکار و سودجوی سرمایه از لابه لای موج گازهای کشنده این معدن بیرون آمد و

سال اخیر ۱۳ نفر زیر فشار گازهای متراکم نشت شده جان خود را از دست داده اند. بهای یک دستگاه هشدار دهنده نشت گاز در مجموع ۵۰۰ میلیون تومان است. این رقم از اضافه ارزشی که فقط ۱۵ کارگر در هر سال در همین معدن تولید می کنند کمتر است. سرمایه داران حاضرند فوج فوج کارگران را به دم تیغ مرگ بسپارند، اما حتی چند تومان از کوه عظیم سودهایی را که همین کارگران تولید می کنند صرف نجات جان آنان نکنند. در جریان همین حادثه مرگبار، معاون سیاسی - امنیتی کرمان بسیار صریح و پوست کنده گفته است که « این حادثه تازه ای نیست، معدن ریزش و نشت گاز دارد و این حوادث اتفاق می افتد!! عوامل دولتی سرمایه نیز همچون صاحبان سرمایه به زبان و منطق سرمایه سخن می گویند: سود همه چیز! و انسان هیچ چیز!

۶ شهریور ۸۷

وقتی کارگران را هزارتا هزارتا اخراج می کنند، وقتی در یک جامعه ۷۰ میلیونی ۱۰ میلیون و در جهان ۶ میلیاردی یک میلیارد کارگر بیکار وجود دارد، دقیق تر بگوییم وقتی سرمایه این جمعیت عظیم انسان ها را به نیروی کار بیکار تبدیل می کند، آنگاه کارگر هرچه بی ارزش تر می شود تا آنجا که بهای نیروی کارش به صفر نزدیک و نزدیک تر می گردد. جان او بی بهاترین کالاها می شود. حفظ سلامتی او برای صاحبان سرمایه یکسره غیرضروری و فاقد هر نوع موضوعیت می گردد. نصب دستگاه هشدار دهنده نشت گاز که هیچ، وجود چاه عمیق صد و بیست متری محل آمد و رفت حین کارش را هم به او خیر نمی دهند. حتی صرف یک ثانیه وقت را برای دادن این خبر که لازمه حتمی حفظ جان اوست ضروری نمی بینند.

در همین معدن باب نیزو اگر از همه کشته شدگان و مصدومین اعلام نشده حوادث هنگام کار چشم ببوشیم دست کم در طول همین چند

خفگی ناشی از سموم گاز و از دست دادن جان خود هستند. سرمایه داران و عمال دولتی سرمایه در اداره کار استان کرمان در توضیح علل فقدان دستگاه هشدار دهنده گاز در این معدن با وقاحت بسیارکم نظیری، که البته در میان طبقه سرمایه دار بسیاربسیار پرنظیر است، اعلام کرده اند که خرید این دستگاه مقرون به صرفه نیست!! آنان به زبان سرمایه حرف زده و اندیشه و معیار و ملاک و فرهنگ و اخلاق سرمایه را پایه دآوری خویش قرار داده اند. آنچه حتی یک ریال سود سرمایه را کاهش دهد برای سرمایه داران و دولت آن ها مقرون به صرفه نیست و برای پرهیز از آن چه باک اگر جان هزاران کارگر فدا شود. کارگر در مشرب و مرام سرمایه موجودی است که فلسفه وجودی او تولید سود است. بهای نیروی کار کارگر در بهترین حالت و در عرش اعلای عدالت سرمایه بهای کالاهایی است که برای بازتولید این نیرو لازم است. اما وقتی کارگر زیاد است، وقتی انبوه کارگران برای فروش نیروی کار خود در همه جا صف کشیده اند،

## کشته و مجروح شدن کارگران هنگام کار برای سرمایه

مورد وضعیت مجروحان و چگونگی مداوای آنان لازم ندیده اند.

۴ شهریور ۸۷

این تصادف یکی از کارگران در دم جان می سپارد و چندین کارگر دیگر به شدت مجروح می شوند. روزنامه هایی که خبر این واقعه اسفبار را منتشر کرده اند گفتن هیچ کلامی را در

مینی بوس حامل عده ای از کارگران کارخانه صنایع چوب و کاغذ مازندران در حالی که کارگران را به محل کارخانه منتقل می کرده است در فاصله میان شهرهای ساری و بابل با یک اتوموبیل نیسان تصادف می کند. در جریان

## اعتراف «سازمان تأمین اجتماعی» به کشتار کارگران هنگام کار

آور بهای نیازهای اولیه زندگی توده های کارگر، تنزل مداوم سطح دستمزدهای واقعی کارگران، سیر صعودی شمار بیکاران، افزایش جهش وار کودکان کار و خیابان، تشدید بی عنان سرکوب مبارزات کارگران و در یک کلام سقوط هرچه پرشتاب تر توده های کارگر در باتلاق گرسنگی و فقر و فلاکت و نابودی از جمله مسائلی هستند که شاخص های اصلی زندگی این طبقه در جهنم سرمایه داری ایران را تشکیل می دهند.

۴ شهریور ۸۷

- در سال ۱۳۸۵ در شهرستان های استان تهران ۲۲۲۸ مورد حوادث حین کار رخ داده است که این رقم در طول سال ۱۳۸۶ به ۲۳۷۹ مورد افزایش یافته است.

- تعداد کارگرانی که در کردستان در سال ۱۳۸۵ دچار سانحه میرگ و میر ناشی از کار شده اند بالغ بر ۱۲۴ نفر بوده است که در سال ۱۳۸۶ با حدود ۷۴ درصد افزایش به ۲۱۵ نفر رسیده است.

افزایش بی وقفه شمار کشتگان و معلولان مادام العمر کارگر هنگام استثمار، بالا رفتن سرسام

گزارش « سازمان تأمین اجتماعی» پیرامون کشت و کشتار کارگران هنگام کار زیر نام سوانح حین کار را بیشتر دیدیم. این نهاد دولتی گزارش دیگری منتشر کرده که فقط به طرح آمارها و ارقام حوادث مرگبار کارخانه های اطراف شهر تهران اختصاص دارد. در این گزارش آمده است که:

- شمار حوادث هنگام کار در مراکز کار و تولید در منطقه تهران در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۴۸۸ فقره بوده است. این تعداد در سال بعد با ۲۵/۱۶ افزایش به ۳۱۱۴ نفر رسیده است.

## کشتار کارگران هنگام کار به روایت سازمان تأمین اجتماعی

مذکور صرفاً کارگرانی را شامل می شود که بیمه بوده اند و هیچ کارگر فاقد قرارداد بیمه را در بر نمی گیرد. بخش عظیمی از کارگران ایران از هیچ بیمه ای برخوردار نیستند و آمار بالا هیچ کارگر آسیب دیده ای از این جمعیت عظیم را شامل نمی شود. در همین جا باید این نکته مهم را نیز در نظر داشت که شرایط کار کارگران مشمول خارج از پوشش بیمه به مراتب از کارگران دارای بیمه هولناک تر است و حوادث کاری دامنگیر آنان بسیار افزون تر است.

گزارش سازمان تأمین اجتماعی تصریح می کند که فقط ۳۳٪ از کارافتادگان چیزی به نام مستمری از کارافتادگی دریافت کرده اند. در این جا نیز باید همه نکات بالا را در نظر گرفت. آمار سازمان مذکور فقط کارگران بیمه شده را شامل می شود و تازه از این میان فقط ۳۳٪ توانسته اند چیزی زیر نام مستمری بگیرند. حتی اگر از همین گزارش با توجه به تمام غیرواقعی بودنش حرکت کنیم باز هم می بینیم که شمار از کارافتادگان مادالعمری که مشمول دریافت مستمری شده اند در قیاس با کل از کارافتادگان یکساله چیزی حدود ۳ نفر از هر صد نفر است!! دقیق تر بیان کنیم، از کل ۱۳۰۰ نفر و در واقع چندین هزار نفری که در طول سال ۱۳۸۶ هنگام استنثار شدن معلول کامل شده اند فقط ۴۱ نفر چیزی به نام مستمری گرفته اند. رقم اخیر حتی در قیاس با ۱۳۰۰ باز هم چیزی حدود ۳٪ است.

۳ شهریور ۸۷

- در سال ۱۳۸۶ فقط از میان کارگرانی که بیمه بوده اند حدود ۲۶۰ کارگر اسیر سوانح حین کار برای صاحبان سرمایه دچار از کارافتادگی کامل شده اند و به جرگه معلولان مادام العمر عاجز از انجام هر نوع کار پیوسته اند.

- بیشترین سوانح برای کارگرانی رخ داده است که در بخش های فلزات اساسی، ماشین های الکتریکی و غیر الکتریکی کار می کرده اند.

- از میان آسیب دیدگانی که بر اساس معیارهای دولت سرمایه واجد شرایط لازم برای دریافت مستمری از کارافتادگی بوده اند فقط ۳۳٪ این مستمری را دریافت کرده اند.

- قطع دست و انگشت رایج ترین شکل سوانح حین کار بوده است.

- در سال ۱۳۸۶ فقط در شهر تهران حدود سه هزار و صد حادثه هنگام کار برای کارگران روی داده است.

این ها نکات عمده گزارش سازمان تأمین اجتماعی دولت سرمایه در مورد میزان سوانح حین کار در مراکز کار و تولید است. همان گونه که بالاتر گفتیم این گزارش در بهترین حالت منعکس کننده بخش بسیار ناچیزی از دنیای حوادث و کشت و کشتارهایی است که هنگام استنثار کارگران روی می دهد و بر تمام دوران زندگی آن ها و خانواده هایشان تحمیل می شود. به طورمثال، گزارش به رقم ۲۶۰ کارگر از کار افتاده کامل در طول یک سال اشاره می کند و در ادامه نیز می افزاید که رقم

نهاد دولتی موسوم به « سازمان تأمین اجتماعی» در روزهای اخیر گزارشی را پیرامون میزان وقوع حوادث هنگام کار در کارخانه ها و مراکز مختلف کار منتشر کرده است. این گزارش آنچنان که سیره و سنت و روال متعارف کار دولت سرمایه داری است بی گمان بیشترین بخش کشتارها و مصدوم و معلول شدن های کارگران در شرایط وخیم و مرگبار کار را از قلم انداخته است و به همین دلیل هیچ سند قابل اعتباری نیست. با این همه، اذعان نهادهای دولتی سرمایه به این همه کشت و کشتار کارگران در هنگام کار، خود نکته مهمی است که دیده سرمایه شناس و آشنا به روال کار گزارش نویسی دولت سرمایه داری می تواند حدیث مفصل کشتارها و معلول العمر شدن های مادام العمر جمعیت کثیر کارگران ایرانی را از لا به لای آن بخواند. نکات عمده این گزارش عبارتند از:

- در طول سال ۱۳۸۶ حدود ۲۴ هزار و ۷۵ کارگر در هنگام کار دچار سانحه شده اند و از این میان ۱۱۷ کارگر جان خویش را از دست داده اند.

- شمار کارگرانی که در طول سال ۱۳۸۶ دچار سوانح هنگام کار شده اند در قیاس با سال قبل از آن حدود یکهزار نفر افزایش داشته است.

- در فاصله میان سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ یعنی در طول ۴ سال شمار کارگران مقتول یا مصدوم و معلول هنگام کار برای سرمایه از شانزده هزار و ۲۸۳ نفر به ۲۴ هزار نفر افزایش یافته است.

## ۳۰ کارگر افغان قربانی سرمایه شدند

عظیم داغ لعنت خوردگان جهنم مخوف سرمایه داری افغانستان بودند از وحشت و هراس جنگ بشرستیزانه سرمایه داری آمریکا و اروپا و طالبان و سایر بخش های اشرار سرمایه جهانی پا به فرار نهاده بودند تا شاید در گوشه ای از ایران یعنی جهنم دیگری از سرمایه با تحمل تمامی خواری ها، ذلت ها، گرسنگی ها و سیه روزی ها نیروی کار خود را به صورت شبه رایگان به صاحبان سرمایه بفروشدند و از این طریق شکم خود و زن و فرزندانیشان را سیر کنند. آنان به گونه ای بسیار بی ارزش تر از هر خس و خاشاک خانه ثروتمندان در یک کامیون حمل بار بر روی هم انباشته شده بودند. آدم فروشان سودجویی هار جهان سرمایه این نفرین شدگان بی بهای محکوم به فلاکت و سیه روزی را تسلیم مرگ ساختند. آنچه در اینجا به روز

کارگر در چهارگوشه جهان در حین کار کردن برای سرمایه داران و استنثار شدن توسط سرمایه در لای چرخ ماشین ها رهسپار دیار مرگ می شوند. همه این ها، کل این جمعیت عظیم، توسط سرمایه به قتل می رسند. اما در این میان، در پهن دشت حمام خون سرمایه برخی صحنه ها حتی از این ها نیز هولناک ترند. مرگ ۳۰ کارگر افغان و مجروح شدن ۸۳ کارگر دیگر همراه و همسرنوشت آنان از جمله این صحنه های فجیع و هولناک است. ساعت یک بامداد روز پنجشنبه ۳۱ مرداد ۸۷ کامیون حامل ۱۲۵ کارگر افغان که به طور قلچاق از مرز افغانستان وارد ایران شده بود در نزدیکی شهر نی ریز در استان فارس واژگون شد و ۳۰ نفر از آن ها کشته و ۸۳ نفر دیگر مصدوم شدند. این کارگران که در شمار خیل

از هر ۳ نفر که در دنیا می میرند یک نفر بر اثر گرسنگی جان خویش را از دست می دهد. بر همین مبنا ۳۳٪ مردگان هر سال جهان کسانی هستند که به طور مستقیم توسط سرمایه به قتل می رسند. هر سال فقط ۱۰ میلیون کودک به علت بی غذایی پرپر می شوند. قاتل مستقیم کل این کودکان نظام سرمایه داری است. شمار انسان هایی که در جنگ های جنایتکارانه میان دولت های سرمایه داری به قتل می رسند سر به فلک می زند. بخش اعظم انسان هایی که بر اثر ابتلا به نوعی بیماری اسیر مرگ می شوند مقتولان نظام بردگی مزدی هستند، زیرا سرمایه است که هزینه کشف راه های دوا و درمان آنان را به سودآوری انبوه تر و توسعه غول پیکرتر حوزه های عملکرد خود اختصاص داده است. در هر یک روز ۶۰۰۰

می گردند و به سرنوشت این ۱۱۳ نفر دچار می شوند. حدیث زندگی این بخش از کارگران جهان بسی تلخ تر از آن است که به بیان درآید. آیا سکوت کارگران بخش های دیگر دنیا و در درجه اول کارگران اروپا و آمریکا در برابر این همه سیه روزی همزنجیران خود بخشودنی است؟

۳۱ مرداد ۸۷

غرب و همتایان ناسکولار و دینی آن ها در شرق بر سر و روی این کارگران فرو می بارد. از جهمی به جهنم دیگر می گریزند. گوشه ای از دنیای ذلت و حقارت و گرسنگی و نکبت سرمایه را پشت سر می نهند تا خود را به گوشه دیگر آن برسانند. در این گذر، یا صد تا صد تا در قعر اقیانوس ها غرق می شوند و طعمه کوسه ها و ماهیان دریا می گردند و یا در کامیون های این جاده و آن جاده کشورها قاچاق

این کارگران آمده است حدیث زندگی همه کارگران افغان و میلیون ها کارگر مشابه آنان در سراسر جهان است. کارگرانی که آوار قهر و خشم و بشرستیزی سرمایه در مخوف ترین هیئت اش بر سر آنان خراب شده است حتی جایی برای ادامه زندگی در زمره بردگان مزدی داغ لعنت خورده هم ندارند. از ۶ گوشه زمین و آسمان بمب های آتش زای سرمایه، گلوله های بربریت دموکراسی سرمایه داران سکولار

## سرمایه و بی ارزشی جان کارگر

ساعت ها بعد، حدود ۵ و ۶ بعد از ظهر، به محل حادثه می رسد. طبق اظهارات ناظران، کارگر سقوط کرده در چاه تا ساعت ۳ و نیم زنده بوده و برای نجات خود تقلا می کرده است. وقتی مأموران این کارگر را از چاه بیرون می کشند او جان خود را از دست داده بود. رفتار سرمایه دار و عملکرد دولت سرمایه داری را در مورد جان کارگر کنار هم قرار دهید. آیا به راستی جنایتکارانه تر، دژخیمانه تر، درنده تر و بشرستیزانه تر از این می توان به یک انسان به جرم کارگر بودن نگاه کرد؟ در نظر بیاورید که در همین جامعه برای حفظ جان یک دولتمرد که کاری جز حفاظت از نظام بشرستیز سرمایه داری نمی کند چگونه میلیاردها میلیارد محصول کار و زحمت و استثمار انسان های کارگر صرف محافظ و ماشین های ضدگلوله و نیروهای ویژه و همه ساز و برگ های دیگر می شود.

۳۰ مرداد ۸۷

حتی گفتن یک کلام در باره وجود این قتلگاه را به او ضروری نمی بیند.

تا اینجا در مورد نوع نگاه سرمایه دار به جان کارگر گفتیم. اما ببینیم دولت سرمایه داری در رابطه با همین کارگر و جان او چه کرده است؟ بیک محمدی بر اساس نوشته همان روزنامه ها ساعت ۱۰ صبح به درون چاه سقوط می کند اما در عمق ۳۰ متری چاه متوقف می شود. سقوط کارگر از طریق کسانی در محل کار به اداره آتش نشانی شهرک حسن آباد گزارش می شود و مأموران آتش نشانی پس از ۴۰ دقیقه در محل حاضر می شوند. تیم نجات وقتی به محل حادثه وارد می گردد می بیند که فاقد ابتدایی ترین وسایل لازم برای نجات جان کارگر و بیرون کشیدن او از چاه است! کارگران مات و متحیر در اطراف چاه به گفتگو می نشینند. آنان هیچ نوع آموزشی برای این قبیل کارها ندیده بودند و قادر به اقدامی برای نجات کارگر اسیر حادثه نبوده اند. مأموران موضوع را به اداره آتش نشانی تهران گزارش می کنند. تیم نجات تهران

کارگر ۳۳ ساله ای به نام مسعود بیک محمدی که در شهرک صنعتی شمس آباد غرب برای سرمایه دار صاحب یک کارخانه تولید در و پنجره کار می کرد در چاه سقوط کرد و کشته شد. بر اساس گزارشات چاپ شده در روزنامه های رسمی دولت سرمایه و بنا به اعتراف مالک کارخانه، در محل کار این کارگر چاهی به عمق ۱۲۰ متر وجود داشته که تنها حفاظ آن قطعه فلزی بوده است که با برخورد پای هر فردی ممکن بوده جا به جا شود به طوری که آن فرد به درون چاه سقوط کند. برای لحظه ای به نوع نگاه سرمایه دار به جان این کارگر که نمونه صددرصد خالص و اصیل و ناب نگاه سرمایه به نیروی کار است توجه کنیم. انسانی در تمامی ساعات روز در یک محوطه معین کار می کند و استثمار می شود. چاهی ۱۲۰ متری در محل آمد و رفت او وجود دارد. خطر سقوط این کارگر در چاه همیشه مطرح و مفروض است. اما جان این کارگر برای صاحب سرمایه تا بدان حد بی ارزش است که

## کشته شدن یک کارگر در بندر «امام خمینی»

بار او را زیر گرفت. صادق محمدی جان به صاحبان سرمایه سپرد. افراد خانواده او هم تسلیم تیغ گرسنگی شدند. اما به نظر می رسد فاجعه به این ها خلاصه نشود. به احتمال زیاد راننده تریلی را به جرم قتل او دستگیر و زندانی خواهند کرد. او هم از نان درآوردن خواهد افتاد و خانواده اش همراه خانواده محمدی به باتلاق گرسنگی فروخواهد رفت. اما قاتل صادق محمدی نه راننده تریلی بلکه صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری هستند.

۲۹ مرداد ۸۷

استثمار نمی شوند بلکه مثل همه کارگران دیگر باید برای قبولاندن خویش به عنوان برده مزدی، برای فروش نیروی کار خود و برای اجابت تقاضای فروش نیروی کارشان در بارگاه ملکوتی سرمایه به همه جانفشانی ها، همه ایثارگری ها و از هست و نیست گذشتن ها هم توسل جویند. صادق محمدی کارگر بندر امام دچار این وضعیت رقت بار بود. او باید با همه توان و حداکثر سرعت کار می کرد تا کار تخلیه را هر چه زودتر انجام دهد. او زیر فشار این الزامات داشت آخرین قطعات محموله های کشتی را جمع می کرد که ناگهان تریلی حامل

یکی از کارگران بندر «امام خمینی» هنگام کار برای سرمایه داران دچار سانحه شد و جان خود را از دست داد. او در قسمت تخلیه و بارگیری کار می کرد و مجبور بود با حداکثر شتاب برای اتمام به موقع کار تلاش کند. سرمایه داران و صاحبان شرکت های سرمایه گذاری موسوم به مقاطعه کاری هر کارگری را که با حداکثر سرعت کار نکند و برای افزایش سود سرمایه به بیشترین میزان ممکن خود را نفرساید نیروی کار مناسب و مطلوب خویش نمی دانند و مایل به ادامه کار او نیستند. کارگران بنادر عموماً در دل چنین وضعیتی کار می کنند. آنان فقط



## قتل ۲ کارگر در معدن «پابدانا»

صفر بودن درجه گاز از آنان امضا می گیرد تا بعدها و در صورت شکایت احتمالی خانواده های کارگران بتواند برای تبرئه خود این امضاها را در دادگاه احتمالی - که البته چنان که در مورد ۱۱ کارگر جان باخته قبلی دیدیم چیزی جز یک امر صوری و تشریفاتی نخواهد بود - ارائه دهد. نکته دوم نیز این است که صفر بودن درجه گاز متان پیش از حادثه و در آغاز کار اصلاً دلیلی بر تبرئه کارفرما نیست. مهم این است که هنگام کار که در اثر استخراج ذغال، گاز تولید می شود و انتشار می یابد درجه گاز صفر باشد. و یکی از راه های این کار نیز نصب دستگاه های تهویه سالم و بسیار قوی است به طوری که درجه گاز همیشه صفر یا حدود صفر باشد. بنابراین، کاملاً روشن است که عامل قتل کارگران جان باخته کارفرمای معدن است که برای اندوختن سود بیشتر از نصب دستگاه های تهویه سالم و قوی خودداری کرده است.

۲۳ مرداد ۸۷

باختند. کارگر سومی که در همین کارگاه مشغول کار بود به شدت آسیب دیده و حال او وخیم گزارش شده است. سرمایه داران صاحب معدن و عمال آن ها تلاش کرده اند تا خبر قتل این دو کارگر اصلاً به بیرون درز نکنند، به طوری که حتی مسئولان تامین اجتماعی و خانه کارگر کرمان در مورد این حادثه اظهار بی اطلاعی کرده اند. یادآوری می کنیم که چند سال پیش نیز در کارگاه دیگری در همین منطقه (باب نیزو) ۱۱ کارگر در اثر انفجار همین گاز متان جان خود را از دست دادند. در آن زمان، یکی از عوامل قتل کارگران خراب بودن دستگاه تهویه گزارش شد. اکنون نیز به احتمال بسیار زیاد عدم تهویه باعث مرگ ۲ کارگر و مصدومیت یک کارگر دیگر شده است. رئیس معدن گفته است بر اساس برگه کنترل کار که کارگران جان باخته آن را امضا کرده اند یک ساعت قبل از حادثه درجه گاز صفر بوده است. در این گفته رئیس معدن دو نکته قابل ذکر وجود دارد. اول آن که صاحب معدن اکنون و پس از کشتن شمار زیادی از کارگران بسیار با تجربه شده و حتماً به توصیه نهادهای دولتی پیش از شروع کار معدنچیان در مورد

معدن پابدانا در استان کرمان قرار دارد. این معدن بیش از ۴۰۰۰ کارگر را استنثار می کند. شرایط کار کارگران بیش از حد سخت و مرگ آفرین است. جان کارگر در اینجا مانند همه معادن و مراکز دیگر کار پیشیزی ارزش ندارد. آن قدر بی ارزش است که حتی کشته شدن کارگران را اصلاً قابل گزارشی نمی دانند. معدن از امکانات ایمنی برخوردار نیست و کارگران وسیله ای برای محافظت از سوانح مرگبار با خود همراه ندارند. از این گذشته، در فاصله نزدیک معدن هیچ مرکز پزشکی وجود ندارد و گاه برای انتقال کارگران مصدوم به درمانگاه باید ۶۵ کیلومتر (تا شهر زرنند) طی شود. از این رو، کارگران که همیشه در معرض آسیب دیدگی های مهلک هستند شانس چندانی برای رسیدن به بیمارستان و نجات از مرگ ندارند. دو کارگری که اخیراً بر اثر انفجار گاز متان جان باختند نیز در زمره کسانی بودند که هیچ تلاشی از سوی عمال سرمایه برای انتقال سریع آن ها به بیمارستان صورت نگرفت. این دو کارگر در کارگاه شماره ۴۳۵ معدن کار می کردند که اسیر حادثه انفجار گاز متان شدند و پیش از انتقال به بیمارستان جان

## کشته و مجروح شدن ۱۱ کارگر زیر آوار سرمایه

کارگر کشته شده، ۹ کارگر دیگر معلول گردیده ، و ده ها نفر افراد خانواده این کارگران به برهوت گرسنگی پرتاب شده اند. چرا و به چه دلیل؟ فقط به این دلیل که سرمایه دار صاحب شرکت در جستجوی سودهای بی حساب و کتاب حاضر به قبول هیچ هزینه ای برای حفظ جان کارگران نبوده است.

۹ مرداد ۸۷

۱۱ نفر در زیر ده ها تن سنگ و سیمان فروریخته دفن می شوند. کارگران همزنجیر آن ها در مرکز آتش نشانی پس از مدتی تلاش سرانجام ۹ نفر را زنده از زیر آوار بیرون می کشند. اما ۲ تن از این کارگران در همان دقائق نخست جان خویش را از دست می دهند. حال ۹ کارگر زخمی وخیم گزارش شده است. آنان اگر هم از مرگ بگریزند به طور قطع تا آخر عمر معلول و مصدوم باقی خواهند ماند. ۲

یک شرکت ساختمانی دست به کار تأسیس استادیوم ورزشی شهر همدان است. سرمایه دار شرکت از کارگران خواسته است که بدون داشتن هیچ نوع وسایل ایمنی در مهلک ترین و پرمخاطره ترین شرایط کاری سخت ترین کارها را انجام دهند. ۱۱ کارگر بر اساس نقشه و دستور سرمایه دار در چنین شرایطی کار می کرده اند که یک ستون عظیم و بلند دیوار مخروبه بر سر همه آن ها فرو می ریزد. هر

## رسانه های جمعی سرمایه و گزارش سوانح کار

از بالای یک ساختمان سقوط کرده است. خواننده ای که این خبر را می خواند سقوط کارگر را طبیعی می پندارد. زیرا این کارگر در ارتفاع بالای یک ساختمان کار می کرده و سقوط از ارتفاع هم چیز عجیب و غریبی نیست. بخش مکمل جمله هم خبر مرگ کارگر است که آن هم با توجه به سقوط از ارتفاع بالا امری عادی و طبیعی تلقی می شود. رسانه ای که این خبر دو جمله ای را منتشر کرده هیچ نیازی ندیده است که بنویسد کارگر جان باخته در بالای ساختمان چه می کرده است؟ برای چه به آنجا رفته است؟ دستور قرار گرفتن وی در آن ارتفاع

توضیح علل و راه های جلوگیری از وقوع حوادث مشابه و انتقاد از سهل انگاری نهادهای مربوط منتشر می شود. رسانه های سرمایه در ایران و همه جوامع سرمایه داری مشابه در کار درج اخبار کشت و کشتارهای کارگران در سوانح محیط کار با اصرار لجاجت آمیز و پر از تعمدی تلاش می کنند تا هر نوع شائبه غیرطبیعی بودن این سوانح را از اذهان مردم پاک کنند. اساساً قالب انتشار خبر با همین هدف طراحی و ساخته و پرداخته می شود. به قالب خبر بالا خوب دقت کنیم. کل ماجرا به این صورت بیان می شود که کارگری در حین کار

خبر این است: «یک کارگر ۱۹ ساله در یک کارگاه ساختمانی واقع در میدان آزادی کرمانشاه مشغول کار بود. او از بالای دیوار سقوط کرد و در دم جان باخت». در این دو جمله، که شیوه عام انتشار اخبار مرگ و میر کارگران در محیط های کار در روزنامه های رسمی سرمایه است، همه چیز بسیار عادی و طبیعی تلقی می شود، طوری که انگار به هیچ توضیحی نیاز نیست. این درحالی است که در برخی از گوشه های همین جهنم آکنده از جنایت سرمایه داری حتی اخبار مربوط به مرگ و میر این و آن حیوان دریا یا خشکی را هم با شرح و بسط و

های عامدانه هستند تیرنه کنند. نیازی به گفتن ندارد که علت واقعی وقوع همه این قتل ها یا مصدوم و معلول شدن ها صرفه جویی سرمایه داران در تهیه وسائل ایمنی کار و امکانات لازم محیط کار با هدف سوداندوزی هرچه بیشتر است. سرمایه داران این وسائل و امکانات را از کارگران دریغ می کنند تا هزینه تهیه آن ها را به سودهای نجومی خویش بیفزایند. رسانه های سرمایه نیز با انتشار اخبار سوانح به شکل بالا همه تلاش خویش را به کار می گیرند تا لکه های خون کارگران مقتول را از روی دست سرمایه داران قاتل آن ها پاک کنند و آثار ارتکاب قتل را از بین ببرند.

۱۴ مرداد ۸۷

رسانه های سرمایه داری اخبار سوانح هنگام کار را این گونه بدون هیچ توضیح و حتی بازگذاشتن هیچ جایی برای هیچ کدام از این پرسش ها درج می کنند تا بدین سان هیچ جایی را برای آدم کشانه و جنایتکارانه بودن این سوانح در اذهان مردم باقی نگذارند. آن ها این کار را انجام می دهند تا مغزها را طوری شستشو دهند که آن ها دچار حادثه شدن و مرگ کارگر را امری بسیار طبیعی و محتوم تلقی کنند و به خود بگویند که لابد وقوع این مرگ و میرا جزء جدایی ناپذیر کار کردن است و هر کارگر و افراد خانواده و همه همزنجیران او باید این سرنوشت را بپذیرند. رسانه های جمعی سرمایه چنین می کنند تا سرمایه و صاحبان سرمایه را که عاملان مستقیم و مسلم این قتل

توسط چه کسی صادر شده است؟ کاری که وی انجام می داده چه بوده و برای چه کسی بوده است؟ اساساً این کار در چه رابطه ای و با کدام هدف انجام می گرفته است؟ حاصل این کار چه بوده و سود آن نصیب چه کسی یا چه نهادی می شده است؟ انجام این کار مستلزم چه وسائل و امکاناتی بوده است؟ آیا این امکانات در اختیار کارگر مذکور بوده است؟ اگر نبوده چرا نبوده است؟ فقدان این امکانات در وقوع حادثه و مرگ این کارگر چه نقشی داشته است؟ صاحب کاری که کارگر مذکور را به ارتفاع بالا فرستاده به چه دلیل امکانات لازم را در اختیار وی قرار نداده و هدف او از دریغ کردن این وسائل چه بوده است؟ و ده ها پرسش دیگر که هیچ یک به خبر راه پیدا نکرده است.

## قطع پای یک کارگر در معدن سرمایه

بیمارستان سندانج بستری است. بیکاری و به همراه آن گرسنگی و فقر و قطعی پا از جمله مائده های زمینی سرمایه هستند که اینک نصیب او و خانواده اش شده است.

۴ مرداد ۸۷

فشار، سرعت و سختی کار حتی این تنها وسیله دفاعی را هم از کارگران سلب می کند. «توفیق احمدی» کارگری که در این معدن استثمار می شد، زیر فشار همین وضعیت قادر به حفظ جان خویش در مقابل مخاطرات بی امان سرمایه نشد. پیش از آن که بتواند از مهلکه بگریزد صخره بزرگی به پای وی اصابت کرد و یکی از پاهایش قطع شد. «توفیق احمدی» اینک در

معدن روستای «آرندان» در نزدیکی سندانج قرار دارد و شمار زیادی کارگر را استثمار می کند. شرایط کار کارگران آن بسیار مرگ آفرین و وخیم است. آنان از ابتدایی ترین وسائل ایمنی نیز برخوردار نیستند. مراقبت چهارچشمی و همه جانبه کارگران در هنگام کار تنها چیزی است که می تواند خطر افتادن آن ها به دام مهلکه های حین کار را تا حدودی کاهش دهد، هر چند

## کارگر جوشکار هنگام کار برای سرمایه به قتل رسید

کارگران را صرف تهیه امکانات نظامی و دفاعی و محافظ لازم جهت حفظ جان خویش می کنند. هر یک متر جا به جا شدن آن ها میلیون ها تومان محصول کار کارگران را بر باد می دهد. در هر کجا که می خواهند حرفی برای تحکیم پایه های قدرت خود و تشدید بردگی مزدی کارگران بزنند میلیون ها تومان صرف لوازم و عمه و اکره حفظ جان خویش می کنند. حال به این سوی قضیه نگاه کنیم. جان توده های طبقه کارگر که آفریننده کل سرمایه ها و ثروت های موجود جهان هستند سنار نمی آرد و آن ها دسته دسته قربانی سوداندوزی سرمایه داران می شوند. این، قانون سرمایه است. قانونی که سرشت آن توحش و شرارت و جنایت است.

۴ مرداد ۸۷

برخوردار نیست. در کارگاه هیچ سیستم آتش نشانی درستی وجود ندارد. از وجود گروه امداد برای نجات کارگران مصدوم هم خبری نیست. لباس کارگر هم از بنزین و مایعات آتش زا خیس است. کاری که کارگر انجام می دهد جوشکاری است که هر جرقه آن برای آتش زدن لباس او و احتراق کپسول گاز کافی است. مرتضی قدیری بدین سان آتش می گیرد و جان خود را از دست می دهد. آیا به راستی اینجا کارخانه است یا سلاخ خانه؟ ببینیم لحظه ای به این موضوع فکر کنیم. دولتمردان سرمایه داری ایران تنها به این دلیل که عامل تحمیل نظم سرمایه بر طبقه کارگرند و به این دلیل که می خواهند زمین و زمان بهشت سوداندوزی سرمایه داران و جهنم سوزان کارگران باشد، برای جان خویش احساس خطر می کنند. این آقایان هر سال میلیاردها تومان حاصل کار

در جهنم سرمایه داری ایران کارخانه ها همه سلاخ خانه اند. در این کارخانه ها در همان حال که به تدریج کل عمر کارگران ذره ذره و قطره قطره در کوره سودسازی برای سرمایه ذوب می شود، هر روز ده تا ده تا از آنان قربانی فقدان شرایط ایمنی و درواقع قربانی صرفه جویی سرمایه برای اندوختن سود هرچه بیشتر می گردند. آنچه در این قتلگاه ها روی می دهد می تواند سوژه نگارش تراژیک ترین رمان ها برای توصیف رابطه بشرستیزانه سرمایه در جامعه ما باشد. در کارگاه «پرسی سیلندر قزوین» به کارگر جوشکاری به نام مرتضی قدیری عملاً می گویند که لباس آکنده از گازوئیل و بنزین و مواد چرب بپوشد و سپس در کنار کپسول گاز بدون هیچ نوع حفاظ و ایمنی جوشکاری کند. کپسول پر از گاز قابل احتراق است و از هیچ نوع پوشش ایمنی

## جنایت سرمایه و معلول شدن مادام العمر کارگر

تلاشی برای کاهش کشتارها و معلول شدن های توده کارگر در محیط کار نکرده اند. هیچ

است. هیچ بخشی از معدن از امکانات ایمنی برخوردار نیست و کارفرمایان در هیچ دوره ای

معدن سنگرود ۵۰۰ کارگر را استثمار می کند. شرایط کار کارگران بسیار هولناک و مرگبار

تا آخر عمر به صورت معلول زندگی کند. سرمایه دار پس از سال ها استثمار وی اینک او را از حداقل سلامتی محروم کرده است. با همه این ها، حتی بهای دکتر و داروی او را نمی پردازد.

۱ مرداد ۸۷

مهم و کاری و غیر قابل درمان است. غلامی از ناحیه نخاع به شدت آسیب دیده است. او به طور کامل فلج شده و قادر به کارکردن نیست. کارگر مصدوم اکنون تحت مداوا قرار دارد اما سرمایه داران صاحب معدن هیچ پولی بابت دارو و درمان وی نپرداخته اند. تا لحظه حاضر کل هزینه دکتر و داروی غلامی توسط ۵۰۰ کارگر همزنجیرش پرداخت شده است. او مجبور است

گزارش درستی از مجموعه سوانح محیط کار و تلفات جانی ناشی از آن در درون این معدن در دست نیست. « غلامی» از جمله کارگرانی است که در تونل شماره ۱۰ معدن هنگام کار بر اثر ریزش جداره های داخلی معدن در زیر خروارها خاک دفن شده است. او به کمک همزنجیرانش از زیر آوار معدن بیرون کشیده می شود. اما صدمات جسمی وارد بر وی بسیار

## سقوط سه کارگر نفت آبادان در چاه فاضلاب

حال، زیر فشار کار، سه کارگر نفت آبادان هنگام کار در قتلگاه سرمایه به درون چاه فاضلاب سقوط می کنند. خوشبختانه آنان توسط همزنجیران آتش نشان خود بالا کشیده می شوند و از مرگ حتمی نجات می یابند.

۱ مرداد ۸۷

شبه رایگان، هیچ نیازی به جلوگیری از تلفات جانی و مصدوم شدن کارگران احساس نکرده اند. کارگران نیز، با همه احتمال بالای خطر وقوع حادثه، از ادامه کار چاره ای نداشته اند، به این دلیل که مجبور بوده اند و سرپیچی از دستور مسئولان شرکت خطر بیکاری آنان را به دنبال داشته است. بیکاری برای کارگران از مرگ هولناک تر است و کم نیستند کارگرانی که دومی را بر اولی ترجیح می دهند. به هر

سه کارگر پالایشگاه نفت آبادان به حکم وظیفه تعیین شده در محلی به نام ایستگاه ۶ خط وسط شرکت مشغول لایروبی یک چاه فاضلاب بودند که ناگهان به داخل چاه سقوط کردند. خطر ریزش چاه و احتمال سقوط کارگران بسیار محتمل و قابل پیش بینی بوده است، اما هیچ نوع تدارک و توصیه و اقدامی برای جلوگیری از وقوع این حادثه صورت نگرفته است. عوامل سرمایه به دلیل وفور بیش از حد نیروی کار

## سوداندوزی سرمایه دار باعث مرگ یک کارگر شد

سرمایه سوخت. سرمایه با او همان کرد که با ده ها کارگر همزنجیرش در شانزده اراک و جاهای دیگر کرد.

۲۹ تیر ۸۷

چنین امکاناتی و به بیان دیگر تأمین امنیت جانی پورمحمد را اصلاً لازم نمی دیده است. او می دانست که پورمحمد های ارزان قیمت تر در بازار نیروی کار به اندازه کافی موجود است. او می دانست که در مسلخ سرمایه خون پورمحمد ها هیچ بهایی ندارد و هیچ مرجعی در باره دلیل قتل پورمحمد از او هیچ سؤالی نخواهد کرد. پورمحمد در میان شعله های آتش

دربای سهمگین سوداندوزی سرمایه باز هم قربانی گرفت و لاشه یک کارگر دیگر را در لابه لای موج های هراس انگیز خود به ساحل سیاه مرگ کوبید. این کارگر « پورمحمد» نام داشت. او در یک کارگاه جوشکاری در شهر سفز کار می کرد. تانکر سوخت مورد استفاده وی هنگام جوش دادن فاقد هر نوع امکانات ایمنی بود. سرمایه دار صاحب کارگاه تأمین

## حراج جان کارگر در شهر طبس

صورت انسان های معلول فاقد توان کار کردن به سر آورند. آنان از هیچ نوع بیمه و هیچ امکانی برای امرار معاش خود و خانواده خود نیز برخوردار نیستند. در شهر طبس جان کارگر حراج است و قربانی نمودن فوج فوج کارگران در معبد سوداندوزی سرمایه روال عادی کار است.

۲۵ تیر ۸۷

باید بدون هیچ وسیله ای در سخت ترین و مهلک ترین شرایط کاری با سرعت و شدت هر چه بیشتر کار کنند و در صورت وقوع سانحه هم فوری جای خود را به کارگران دیگر بسپارند. کارفرمایان هر روز با چشم باز شاهد بی دست و پا شدن و کور شدن و مصدوم گردیدن کارگران هستند، اما هیچ گاه هیچ اقدامی برای کاهش این حوادث نکرده اند. غالب کارگرانی که هنگام تولید سودهای انبوه برای صاحبان معادن مصدوم شده اند مجبورند باقی مانده عمر خویش را با نقص عضو و به

بر اساس آمارهای منتشره فقط در شهر طبس هر ماه حداقل ۱۰ کارگر در هنگام کار دچار آسیب های سخت جسمی می شوند. از ابتدای سال جاری تا امروز از میان ده ها کارگری که هنگام کار دچار سانحه شده اند، ۳ نفر جان خویش را از دست داده اند. بخش اعظم کارگران شهر در معدن سنگ کار می کنند و سرمایه داران صاحب معادن با آنان درست همان رفتاری را می کنند که فراغنه مصر باستان با بردگان آن عصر می کردند. طبق قوانین و رسم و آئین صاحبان سرمایه کارگران

## جستجوی کار راهی به سوی مرگ

مهاجر بخش قابل توجهی هیچگاه به مقصد نمی رسند. اینان فوج فوج در دریاها غرق می شوند و اجساد آن ها در اعماق اقیانوس ها طعمه

گوشه دیگری از جهنم سوزان سرمایه با فروش نیروی کار خود لقمه نانی به شکم گرسنه خود و فرزندانیشان برسانند. از میان جمعیت عظیم

هر سال میلیون ها انسان زیر فشار تازیانه گرسنگی و فقر و خطر هلاکت زن و فرزند خانه و شهر خود را ترک می گویند تا شاید در

همه جا همچون دیو وحشت مرگ با آن ها همراه بود. آنان به حکم سرمایه فروشنده نیروی کار و برده مزدی بودند. به حکم سرمایه بیکار شده بودند. به حکم سرمایه به ورطه گرسنگی و فقر و ناداری سقوط کرده بودند. زیر فشار گرسنگی لرستان را به سوی تهران ترک کرده بودند. در سعادت آباد تهران برای سرمایه کار می کردند و سود تولید می نمودند. در همین جا بود که آوار سرمایه بر سر آن ها فرو ریخت و هر ۱۷ نفرشان زیر خروارها آجر و آهن و سیمان دفن شدند.

۲۳ تیر ۸۷

را به نمایش نگذارند و این تازه فقط گوشه های از این حوادث هولناک است که به رسانه های جمعی جهان سرمایه راه پیدا می کند. ۱۷ کارگر کشته شده در زیر آوار سرمایه در سعادت آباد تهران هم دقیقاً از همین گروه کارگران بودند. آنان همه اهل لرستان بودند و خانواده های آن ها در این استان سکونت داشتند. این ۱۷ کارگر زیر فشار کشته گرسنگی، زنان و کودکان خود را ترک می گویند، خود را به تهران می رسانند تا نیروی کارشان را به سرمایه بفروشند و پول نانی برای خانواده خود بفرستند. آوار سرمایه همه این ۱۷ کارگر را در درون خود دفن کرد. سرمایه در

ماهیان دریا می گردد. در بیابان ها ناپدید می شوند و غذای حیوانات صحرا می گردند. اسیر پلیس و نیروهای اهریمنی و دژخیم سرمایه در مرزهای میان کشورها می گردند، به زندان می افتند و هزاران بلای دیگر بر سر آنان فرو می بارد. عده ای از آن ها که تمامی این هفت خوان هولناک مرگ را پشت سر نهند همچون نفرین شدگان داغ لعنت خورده در بدترین شرایط کاری، سخت ترین، فرساینده ترین و مرگبارترین کارها را با نازل ترین دستمزدها به عهده می گیرند. هیچ روزی نیست که تلویزیون های دنیا صحنه های فجیعی از زندگی ذلت بار این کارگران آواره در جستجوی کار

## ریزش معدن در چین و کشتار کارگران

چینی با تحمل شدیدترین میزان استثمار و بی حقوقی فداییان سرمایه برای کاهش بار عظیم بحران های اقتصادی شوند. سرمایه زیر هر نامی و در قالب هر مکتب و مرامی سرمایه است. هر کارگری در هر گوشه دنیا باید بیاموزد که راه رهایی او نه آویختن به اسم و مسلک و مکتب که روی آوردن به عمل مشخص و متحد و متشکل ضد سرمایه داری برای محور نظام بردگی مزدی است.

ژوئیه ۲۰۰۸

بهترین راهگشای رشد اقتصادی چین است!!! منظور رئیس جمهوری چین از مارکسیسم و کمونیسم و راهگشا بودن آن ها برای اقتصاد چین آن بود که این کشور به سوزان ترین بخش جهنم سرمایه داری تبدیل شود. دختران ۶ ساله اش میلیون میلیون با دستمزد ساعتی چند سنت، بدون داشتن حق دقیقه ای تنفس حتی برای رفتن به توالت در طول ساعت های ممتد برای سرمایه های بزرگ جهانی کار کنند. هر هفته ده ها کارگر به دلیل نداشتن ابتدایی ترین امکانات ایمنی در عمق معدن ها تسلیم جوخه مرگ گردند. چین به عظیم ترین قطب اقتصاد دنیای سرمایه داری مبدل گردد و توده های کارگر

در چین هیچ هفته ای نمی گذرد که شمار کثیری کارگر هنگام کار و تولید ارزش اضافی برای سرمایه دچار سانحه نشوند و جان نبالند. هفته قبل ۱۸ کارگر و هفته جاری ۲۱ همزنجیر دیگر آن ها هنگام ریزش معدن زیر خروارها خاک دفن شدند. رئیس جمهوری کنونی چین هنگام جلوس بر تخت صدارت سرمایه در پاسخ یکی از خبرنگاران رسانه ها که پرسید آیا او کمونیست است یا نه؟ اظهار داشت که حتماً « کمونیست » است!! و بسیار هم « مارکسیست » است!! سؤال بعدی خبرنگار این بود که آیا چین کشوری « کمونیستی » خواهد ماند؟ و رئیس جمهور جواب داد حتماً. زیرا « مارکسیسم»

## کشته شدن ۱۱ کارگر هنگام کار

کامیون با یک خودرو تصادف می کند و بشکه های قیر در جا آتش می گیرند. ۹ کارگر بدون داشتن هیچ راهی به فرار در میان شعله های قیر مذاب آتش می گیرند و می سوزند و در دم جان می بازند. آنان به همان سرنوشتی دچار شدند که همزنجیرانشان در شازند اراک و سعادت آباد تهران و بسیاری جاهای دیگر دچار آن شدند: سوختن و خاکستر شدن در شعله های آتش سوزان سودجویی سرمایه در سراسر جهان.

۱۹ تیر ۸۷

حین کار بس هولناک است. اما در فراخانی جهنم سرمایه داری ایران این حوادث چنان بدون وقفه صورت می گیرند و چنان پشت سر هم در ابعاد بزرگتر و هولناک تر روی می دهند که وسعت دردناکی هر یک بر دیگری سایه می اندازد. در همین روز، شبکه خیر دولت سرمایه حادثه ای را در یکی از شهرهای استان خراسان رضوی به نمایش نهاد که در جای خود یکی از سیاه ترین صحنه های کارگرکشی سرمایه در هنگام کار بود. در اینجا ۹ کارگر سوار بر کامیون حامل قیر برای سرمایه دار صاحب شرکت ساختمانی قیر حمل می کردند.

باز هم آوار سرمایه بر سر کارگران فرو ریخت و دو کارگر دیگر را در دم تسلیم مرگ ساخت. این بار حادثه در محلی به نام میدان نوینباد رخ داده است. کارگران برای یک شرکت ساختمانی کار می کرده اند. آنان به دستور کارفرمای شرکت در حال گودبرداری بوده اند که ناگهان با ریزش دیوار مجاور گود مواجه می شوند. کوه عظیم آوار لاشه نحیف و فرسوده کارگران را در زیر خود دفن می کند. آنان که محیط حادثه را دیده اند اعلام کرده اند که دیوار به دلیل فقدان شمع بندی لازم در آستانه ریزش بوده است. این حادثه همچون همه دیگر حوادث

## آسفالت داغ سرمایه در کانادا یک کارگر ۱۵ ساله را کشت

حداقل معیشت و حقوق اولیه خویش شود موضوعی است که طبعاً در جاهای مختلف فرق می کند. اما سرمایه در هر کجا که باشد کارش سلاخی هر چه وحشیانه تر کارگر برای تولید

سرمایه ها. این، قانون اساسی سرمایه در همه جهان است. این که طبقه کارگر و جنبش کارگری هر کشوری تا چه میزان توانسته باشد مانع تهاجم و تعرض هر چه هارتر سرمایه علیه

آسمان سرمایه داری در همه جای دنیا یک رنگ دارد، رنگ تولید ارزش اضافی، محروم ساختن کارگران از هستی و قربانی کردن بشریت در بارگاه سودآوری هر چه انبوه تر

## دوره نامه سرمایه و موانع کار

نحیف و دست های لاغر خود آسفالت داغ را در کف خیابان پهن می کرده است. این کارگر ۱۵ ساله در حین کار هنگام خالی شدن آسفالت نیمه مذاب بر کف زمین در زیر توده عظیم آسفالت دفن می شود.

ژوئیه ۲۰۰۸

برای سرمایه است. در کانادا سال ها است که از منع کار افراد زیر ۱۶ سال سخن گفته شده اما آنچه در عمل وجود دارد غیر از آن چیزی است که سرمایه در رسانه های جمعی خود در اذهان القا می کند. این کارگر ۱۵ ساله برای سرمایه دار صاحب یک شرکت ساختمانی در ایالت مانیتوبا کار می کرده است. او با جثه

سود بیشتر است. کار کودکان در عظیم ترین بخش دنیای سرمایه داری به صورت بسیار وحشتناک و سفاکانه ای وجود دارد. حتی در جوامعی که سخن از منع کار کودکان می شود استثمار نیروی کار افراد خردسال از بین نرفته است. یک نمونه مشخص در این زمینه قتل کارگر ۱۵ ساله در کانادا هنگام کار ساختمانی

# خبرنامه کمیته هم‌مسکنی برای ایجاد تشکل کارگری را به دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

[WWW.HAMAAHANGI.COM](http://WWW.HAMAAHANGI.COM)

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
  - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
  - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
  - ازدواج با جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
  - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**

اول ماه مه سال ۱۳۸۸